

حقیقتهای ایرانیان از طالبان

هران عالم و نجاربی آدم ما را در این قرون اخیره برهات يك نكته دقیق که از آن تعبیر بفظ حقوق بشریت میشود دعوت و به بذل اقدامات مجده و ادار میسازد

برای اینکه دلیل ترقی عالم و سند پشرفت اولاد آدم همین يك مسئله است

نوع بشر را برهات همین علاقه طبیعی و حقوق فطری دارای عزت و جلال و باعلی مدارج رفعت ارتقا داده

چنانچه این قوه طبیعی و تمدن فطری از اسان مسلوب و برهات آن از ادهار متروک گردد نوع بشر را با سایر حیوانات هیچ فرقی نخواهد ماند و این همه اینبه طالبه و آثار باقیه که در سایه اتفاق حاصل گردیده دبری نخواهد باشد

حیات انقاشی این طایفه چندان بیکدیگر مربوط و مطلق است که اگر بزندگان يك سلسله صدمه وارد آید هموم سلاسل را که بمنزله يك خانواده هستند صدمه رسیده و هرگاه حقوق يك طایفه ضایع گردد حقوق هموم طوائف ضایع گردیده

این رابطه حقیقی و این علاقه معنوی نوع بشر را ملزم میدارد که همیشه و موجبات آسایش بیکدیگر مسکالت و در هر امری از امور هم را معاونت و معاضدت نمایند

همین حق حقیقی و همین دین طبیعی دولت مقتدره را مجبور میسازد که حقوق دولت ضعیفه را محروس و تجاوزات زیرستان را بر زیر دستمال مانع گردیده نگذارند دولت ضعیفی دستخوش تطاول و جباول دولت قویه گردد

همین حق علما و حکمای هر طایفه را بر آن میدارد که در فروطان و جزئیات این حق کتب و رسائل تدوین نموده از برای اجرای آن کنگرهها و کنفرانسها تشکیل دهند و در هر مورد برهات آن را در عهده شناسند

در این صورت بر تمام دولت و ملکه که بمنزله يك خانواده محسوب و در کفالت بامور این خانه ذمه دارند فرض و متعهم است که این رابطه طبیعی که بمنزله معار

عالم انسانیت است توسعه داده رشت رعایت و دستگیری از بیکدیگر را که وسیله ارتقای نوع بشر است محکم سازند

بنابر همین حق ما تمام ملل و افراد ام که بدین دین طبیعی مدیون و بااستمکام این رشت فطری مجبورند خاطر نشان میسازیم که استمداد فطری و مزایای طبیعی و اهمیت حفراتی و بلتکی محکمت ما را بر طالبان هیچ جای شبه و تردید نیست

خدمات اسلاف و پیشینیان ما را بهالم انسانیت و حوزه بشریت آثار اقیه و مکتسبات عصر جدید بهترین شاهد و گواهی است که در اختراع صنایع و ایجاد مدیج ما بر تمام ملل پیش قدم و بطرفی عدالت را ما عوادار بودیم

بیدق استقلال ما بر فراز تاج دولت مقتدره در اهتزاز و حقوق ضغفا را عدالتالعالبه ما بهترین حارس و نگهبان بود

لیکن در این قرون اخیره غلطی ترکیب حکومت چندان ما را متهمتر کشانید که از اوج عزت بیضیض ذلت رسانید

عدم امنیت و حکومت غلط قطعات مظمه بری و حقوق بحری ما را بر باد داد

عدم امنیت و حکومت غلط نگذاارد ما این باقی ماده اراضی خود را که از شتامت استبداد بپر گردیده دابر و محصولش را بی بازار تجارت دنیا گسیل داریم عدم امنیت و حکومت غلط نگذاشته که ما معادن خدا داد خود را کشف و بدانواسطه تا درجه احتیاج خود و سایر طوائف بشر را مرتفع سازیم

عدم امنیت و حکومت غلط نگذاارد ما بامتداد خط آهن بهات خدا داد را با سهولت بسایر ملل ایصال مراودات خود را آسان رشت ارتباطات خود را محکم سازیم

در دو سال قبل که ملت بهات و مال این وضع ناگوار بی برده و از اثرات میثومه آن پستوه آمده با يك هیجان حقوق طلبانه ولوله در آفاق انگنده حقوق حقه خود را از مظفرالدین شاه باز یافت نمود پارلمان جوان ما مسلك خود را بر طرفداری ضغفا فرار داده در اول وهله يك مسئله مهم که اختلاف

به در حقوق قضایه بود مطلع نظر و الاخره با
جود مواج موجوده مساوات در حقوق را تصویب
آزادی افکار و افلام و اجتهادات را که بزرگترین پایه
رقی و سعادت ملی است اعلان ما کمال سرگرمی حدود
ر قوانین لازمه مملکت را وضع و ملت را از بید
برقانون مستخلص بودجه مملکتی که از دیرگامی غریب
جیب ملت خوار و خراج بر دخل چندین کرور اضافه
بود تصفیه و با هزاران مشقت خراج را با دخل برابر
ساخت

در مقابل خیالات فاسده يك پادشاه جوان که
تخریبات علمی روس و سکوت مشرب بر قبول انگلیس
چندان او را مفرور ساخت بود که دقیقه و آنی در
اهداف اساس مشروطیت و اضلال قواء ملت فارغ
فی نشست طریقه ماملت و صلح جوئی اتخاذ هر
امتیاز و هر حق که در خور يك سلطان مملکت مشروطه
بود تصویب و در هر مورد از مخالفت های علمی اغراض
مسلك مستقیم خود را از دست نداد
با اینکه ملت را در هر مورد استعداد محارست و
مدافعت از حقوق خود بود امره تسلیم و از هیجانات
و انقلابات ملی جلوگیری نمود

قانون اساسی را که سند حریت و پایه استقلال ما
بود باز بجه انگاشته، ظاهراً و باطناً بنای مخالفت گذاشت،
آنچه تدابیر ظالمه بخرج داد، هرفته بر افروخت، هر قدر
خانمان سوخت هر حادثه رخ نمود ملت بسکوت گذرانید
قدم از دایره نجات بیرون نگذاشت

عقلا دلخوش داشتند که شاید سکوت ملت موجب
شرم سلطنت گردد ولی افسوس نجات ملت بی حاصل
خیالات پارلمان بی نتیجه تصور عقلا بی قائده زحمت يك
ملت فدای هوی و هوس روس گردید تا بدانجا که
در ۲۴ جمادی درخت امید روس نمر داد سکوت
انگلیس در فیصله مذاکرات ریوال نتیجه بخشید
سراقات سی ساله وزارت جنگ (پترسبرگ) در انتخاب
مشاقان روسی (یا نمایندگان بلنیک) قرائخانه فراموش
قائده داد آه آه آه آه اساس پارلمان ما منهدم
مشروطیت ما بریاد، حقوق حقه ما باهمال، آطل ما
حقیم، آخ آخ خاک بدخان وطن ما در معرض خطر
ارکان استقلال ما در تزلزل، خانمان ما ویران، برادران

ما ویلان و سرگردان عبوسین از ما گرفتار شکنجه
عدوان! (یارب مکن امید کسی را تو امید)
ای هوا خواهان عدالت! ای طرفداران حریت
ای علمداران صروت! ای دولیکه در ترک برده فروشی
چه کوشش ما نموده تا جیبی را از قید اسارت خلاصی
دادید يك خانواده اسیر! يك قایل قدیم! يك مشت
اطفال یتیم بی سر و سامان شمارا از راه دور با قبی
سوزان و اشکی ریزان پیام و نجات میفرستند و از شما
يك سؤال میکنند که آیا با ملتی که با پای برهنه در طلب
حقوق خود در وادی حیرت ابن ما مان و آن سامان
میروید و مشوق خود را مبعوبد ابن طرز رفتار
را میپسندید؟!؟!!

آیا با حقوق طای خود دست نمیدی و تحریک
روس را از ما کوتاه نمیسازید؟!؟!!

آیا عصمت و ناموس ملت ما را در مقابل هوی
و هوس این دولت وحشی و ما نگذارید؟!؟! حاشا! ار
انصاف شما ای افراد بشر! ای سکنه کره خاک ما را
فقط از شما يك تقنا است که دست این دولت متعدی
همجوار را از سر ما کوتاه و ما را در استرداد حقوق
خود بجنود و آگذارید

(مدبر الممالک مدیر جریده تمدن)
مختصر از مفصل وافعه فاجعه طهران مورخه
(بست و سیم شهر جمادی الاول ۱۳۲۶)
(از طهران مورخه ۳ رجب ۱۳۲۶)

خدمت جناب مستطاب عمده النجار و الاطام آقا
مشهدی عباس آقا تاجر تبریزی دام عزه مشرف باد
فدایت شوم امید که انشاء الله مزاج مبارک قرین
صحت و اعتدال خالی از کدر و ملال است تعلیبه
شریفه چندی قبل زیارت شده بدون سبب جواب آن
بتأخیر اقتضای یکی آنکه مرقوم داشته بودید عنایت
ویانه دارید دوم اینکه بعد از تخریب مشروطه و قتل و
فارت طهران بست ها از نظم اقتاده اهل استبداد
بجهت مصلحت و پیشرفت کار خود شان کافذ هائیکه
چه از طهران وجه از اطراف میرسد بعد از چند روز
ورود هست توزیع میکردند هرگاه بخوام از وقوفات
آخری طهران شرح بد هم بهر فقره آن اگر دست
بزنم در اوراق نگنجیده کتابها میشود اینقدر هست

که حرب و تاراج کرده گرفتند و زدند و بستند و کشتند هر کار ناگواری و هر ظلم و اعتساف و هر قسم و خشبگری و بریت که بنظر شریف برسد مضایقه میکردند هر قائل و هر کند ذهن و هر منکر مانند آفتاب معنی استبداد را فهاذند. باعتقاد خودشان مفسدین و فضولین و کسان را که مصدر کاری بوده گرفتند حبس کردند و کشتند و خانه هایشان را حراب ویران تاراج نمودند. اینها عنوانی داشت اما حلی کسان مظلوم و سالم که هیچ از این عوالم خبر نداشتند نه صکرتند و صدمه رسانند مثلا در فهرست و سباحت که بدست مأمورین داده اند نوشته اند مشهدی علی دلال را بگیرند مأمورین اشتبا یا قصداً بخانه حاجی علی دلاک ریخته خانه اش را تاراج کرده خود صاحب خانه را تحت نموده دست و پای عبال و اطفالشرا لرزانیده او را کتک زنان در جلو اسها پیاده مسافت بید باغ شاه برده فوراً زنجیر بگردن انداخته حبس میکنند روزی يك قرص نان و خباز بدوده از خوردن آب سرد منع کرده و از آب متعفن حوض که درباغ است مصرف میکنند يك هفته و ده روز با این حالت بچاره کی و فلاکت می ماند تا نوبت استعطاق باو میرسد در آخر معلوم میشود که این بی نوا آدم سالم است اشتباهاً عوض علی دلاک علی دلال را آورده بعد مرخصش میکنند

مثلا آقا سید جمال الدین که معقود است گفتند شاید از استادی در خانه خودش است حکم شد برونند خانه اشرا جستجو نمایند بخانه حاجی محمود تبریزی که در حذب خانه آقا سید جمال الدین است ریخته خانه را تاراج کردند بعد کاتب بعمل این نه خانه آقا سید جمال است بلکه خانه همسایه اوست اما اشتباهاً خانه تاراج شد چیزی پس ندادند بردند مختصر هر کس که از درآیان باهر کس عرض و عنادی و قصد انتقامی دارد بدون اینکه شاه یا بزرگان دربار خبر داشته باشند حکم میکنند او را میگیرند اذیت می کنند تاراج مینمایند. يك شب ریخته آقا شفیع و میرزا علی اکبر سرافان تبریزی را گرفته تشان کشان باغ شاه برده حبس و زنجیر کردند صبح از شاه پرسیدند که در اب این دو نفر تکلیف و حکم چیست شاه گفت من خبر ندارم و نگفته ام اینها

را بگیرند (۵) از امیر بهادر پرسیدند گفت اطلاع ندارم و از حاجب الدوله پرسیدند گفت نمیدانم هر يك از درباریان را سؤال کردند آخر با سر و اشارتی اینها را گرفته آورده اند احدی جواب نداد از اشخاصیکه از مأمورین آنها را گرفته آوردند خود زنجیر کرده بودند پرسیدند آخر کی بشا گفت اینها را گرفتید گفتند ما نگرفتیم ایم ما خبر نداریم بعد از آنکه چند نیکه اسباب خانه را مأمورین از ایشان برده و ساعت و پول نقد که در برداشتند گرفته شده آنها را مرخص کردند. اگر بخوایم از حرکات زشت تا نجیب امیر بهادر بنویسم مثنوی هفتاد من کاغذ میشود کسانیکه از علما و اعززه و اشراف دستگیر و حبس بودند. و در چه شماعت ها کرد و چه فحشها داد چه رجز خوانبها نمود هر کس را که میخواستند تلف کنند در بالای او يك شعر مناسب از فردوسی میخواهند. قاضی وزارت عدلیه را زهر دادند در روی خاک جان میداد امیر بهادر استوزا مسکوره شعری بر او خوانده میخوانید میگفت بدرسوخته جان سك دارد از آن طرف میپرسید هنوز تمام نشده می زن قعبه در روز اول که آقا سید عبدالله و آقا سید محمد و چند نفر از وکلا و مردمان همز را گرفته در يك چادری حبس و زنجیر کرده بودند از روی شهادت و ریشخند بهادرالشورا از حضرات محبوسین باطنه پرسیدند آقا بان عقیده شما در این باب چیست آیا مکان شما در این جادر خوب است یا تغییر مکان نایم بشا بگویم اول این مسئله را در کبسیون طرح کنید. خلاصه اشرا بروی کاغذ آورده تقدیم مجلس دارالشورای ملی نمایند وکلا هر یکی رای و عقیده خودشان را گفته با کثرت آرا مجری دارد. و در حق خودم بشا این دام مجلس سری ترتیب بدهید. خلاصه این قسم شهادت ها زیاده از حد کرد حاجی شیخ الرئیس را که زنجیر کرده بودند بامیر بهادر التماس مسکود که اولاً من شاهزاده و از خانواده سلطنتم نایباً فقیه و مجتهدم ثالثاً پیر مردم لا محاله امتیازی دارم این زنجیر ما مناسب است این را تغییر داده زنجیر دیگر بزنند این التماس را بامیر بهادر بردند خودش آمده رو بروی شیخ الرئیس گفت تو بسیار فرسافتی حلی خان و ننگ میرامی و از این

زنجیر بلندتر و در شتر نبود و الا می انداختیم .
 خلاصه چنانکه عرض کردم اگر بخوامم هر مطلب
 دست زده و از هر رشته سخن برام طول و تفصیل
 دارد این اوراق را گنجایش آن نیست . خلاصه ظل
 السلطان و مانوی عظمی و حاکم طبرالدوله تنوب بست
 طراب و تماماً تاراج کردید قدر سه کرور مال از آن
 دو خانه بردند چون قزاق و سرباز گفته بودند اگر
 کسی از هر کجا هر چه تاراج کند مال خود او است
 لهذا قزاق و سرباز آقدر اشیا ذقیمت بدست آورده
 بودند از حروف ایگه مبادا که در دست مجلس گوهر دیده
 صاحب منصبان از دست آنها بگیرد فوراً بکوجه و
 مبدایا و معبرها و قهوه خانه ها ریخته اعجاب هراج
 کردند و مردمان و ناموس طهران علی روس الاشهاد
 آنها را خریدند و تشکر کردند الحمد لله عجب ارزان
 خریدیم . مثلاً سجاده ابریشمی و پشمی روی هم رفته
 یکی پنج تومان کلبه نرم زاه روپم یکی پنج تومان
 خراموفون سه تومان طنین تلفون سه تومان تار
 هوقران در سربك قطعه فرش دو درمی سربازان
 مابین شان مناره کردید در آخر آن فرش را بریده
 چهار قسمت کرده هر یکی يك قسمت بردند همیشه
 ظل السلطان و عیال طبرالدوله هر دو همه شاه هستند
 شوارها و شته های شان را سربازان دو معبرها
 بدست گرفته هراج عودند . وقتیکه خلاصه طبرالدوله را
 تنوب و تنگ بستند بقدر دو هزار فر ریخته شای
 تاراج گذاشتند دختر طبرالدوله با دایه خود درحام
 محسوس مهارت خود شان مشغول شست و شو و
 استحمام بودگان کردند که حمام نیز سرداب یا محزن
 است بر نند هر چه در آنجا فرش و لباس وغیره
 بود بردند خانم با دایه عور و برهنه در میان دو هزار
 نفر سرباز و اسامر و اومان ماند یکی از کلفتها هر چه
 تلاش کرده بود که يك سار هورنی پیدا کرده آن حمام
 و دایه را از آن مرکه بیرون کشد ممکن نشده خواسته
 بود که رفته از مسیاه ها چادری گرفته بیاورد از
 ازدحام نتوانست در آخر همان سرباز که بچه را
 گرفته ود چادر را پس داده بان خانم و دایه که عور
 بودند پیچیده آنها را به پشت بام برده از خانه میرزا
 علی امیر خان امین السلطان که همگیه آنهاست نردبان

گذاشته آن دو خر را با حالت ضعف و بیوشی
 به آنها انداختند زن طبرالدوله همه شاه بوحس طاب
 خود که بعد از نماز دارد در آن حین حواییده بود .
 از صدای تنوب و تنگ سراسیمه بیدار شده زنانش
 بند و غش کرده افتاد . اما مردم شای تاراج و ویران
 کردن گذاشتند بعد از چند ساعت عیال نائب السلطنه رسید
 او را بیوش آورده و تسلی داده بخانه خود برد .

خلاصه هر قافل و حامل نکند ذهن منی
 استبداد را فیهانند که استبداد یعنی چه اکنون لیاکوف
 روسی رئیس قزاق حاکم کل طهران است حکومت
 لشکری و کشوری در دست اوست مدعی اکید کرده
 که زیاده از پنج فر در يك جا جمع نشود و الا اذن
 دادهام قزاقها ماسکوله آنها را متفرق کنند و قذفی
 کرده نماز جماعت در مساجد نگذارند و برای مواعظ جمع
 نشود روزه طواری نکند اگر چنانچه کسی را و حوباً
 مجلس عقد یا عروسی بوهه باشد باید آمده از من
 اذن بگیرد و چند نفر قزاق را بدور مجلس نگذارم
 امیر سپاهر سپهسالار اعظم شده مدرسه سپهسالار را
 قزاق خانه کرده اند میترسند که مردم در آنها جمع
 بشود لهذا بر از قزاق است اصطبل ساخته اند اسب
 بسته اند در حجره ها عوض طلاب شب خیمها بسته
 کنار حوض را فرش کرده بساط شراب گسترده اند .
 باز عرض میکنم احوالات خلیفت مبدانم کدام یکی را
 بسویم مات خیال دارد در سهارت خلاصه انگلیز جمع
 شده کم شده خود را نخواهند تا حال الی چهار صد و
 در سفارت جمع شده اند

اخبارات خارجه

- § شورای ملی (باژیک) مسوده قانون صرف
(کانگو) را امضا نمود
- § (سلو بوریسی) که ۲۹ جوز سنه ۱۹۰۵ با علی حضرت
سلطان نارنجك انداخته بود و در اسلامبول گرفتار
شد در ضمن غم هومی او بر معاف شده به اسلامبول
مراحت کرد
- § جهاز جنگی (سنت و سنت) که (۱۹۲۵) تن و
قوی و سنگین ترین جهاز از قبیل (دریدانات) است
در (پورتسموت) باب انداختند
- § اعلان روسی در (برلن) اشاعت یافته (تذکره ز

نظام خزانه شاهي بوده که رای خزینه شاهي انظام جدید شده ، ازقرائن ظاهر می شود در خزینه (۲۹۲) بدون و هم جا خالی است ، سندات استقراضی جدید جاری شده تا به تدریج فروض شود ، و مصارف و مدارکات با نظم و سق تمام می شود ، ولی بنظر نمی آید مورد مطالبات بر امورات و اسباب عیش و استنشاق هوای مصنوعی وغیره جا خالی خزینه بر گردد

§ در (هیک) مشهر شده که اسقاط حمل ماکه (ویلهلمینیا) روز شنبه گذشته واقع شده ولی حالتش قریب صحت است

§ بین دره کوه (بیللاها) سه ساعت دسته قشونیکه تحت فرمان (ابراهیم پاشا) بود با باغبان کرد جنگ شد ، پسر ابراهیم پاشا و ۲۰ سرباز بقتل رسیدند ، جنرال علی پاشا را برای اسداد این جنگ تا ۲۷ بتالین در آنجا فرستاده اند ولی تا کنون نتوانسته رفع غائله را نماید

§ (سلوویویس) رهائی یافت ، چه هم در عضو هم شامل بود و مشارالیه قبول ارتکاب حرم را عوده توبه کرد

§ مرض وبا که در صومخات مشرقی روسیه شیوع داشت تا (پترسبرگ) رسیده و در ایجا (۲۷) نفر بدین مرض مبتلا و (۱۲) نفر هلاک شده اند در (۲۸) ساعت

§ بموجب خبری که از (ملبورن) رسیده ظاهر می شود که حکومت بمشوره رئیس الوزرا تصفیة نموده که از (لاردودلی) خواهش شود که دسته چهارم انگلیسی را امریکائی در (الینی) برود

ترجمه از اخبار دلی میل

وقایع نگار اخبار مذکور از تبریز

بأدارة مزبوره چنین مینویسد

عین الدوله در نواحی آذربایجان رسیده ، سهدار برای آحرین حمله بر مشروطین رحیم خانرا تشویق و ترغیب کرده غرضشان این بود که قبل از ورود عین الدوله کار مشروطین را بسازند ، و شهر را از وجود ایشان تصبیه نمایند ، از طرف دیگر بواسطه رسیدن کک از مختار مشروطین و انتشار خبر مشروطیت عثمانی

مشروطه خواهان ایرانی را قویدل ساخت ، قونسول عثمانی بملاحظه اینکه انتشار مشروطیت دولت متبوعه وی بر انقلابات شهری نیزآید رعایای خود را از فرات جرائد ترکی در مساجد منع نمود ، و این حکم در باطن بکنوع همراهی معنوی بدولت بود .

روز جمعه رحیم خان بتدبیر عملی خود که مستور نموده بود بر کاروانسرای که ستارخان توبی نصب کرده بود از پس دیوار بفتناً حمله آورده توبی و کاروانسرا را متصرف شد و (۱۲) نفر را بجروح ساخت سپس خود را ظاهر داشته باسر و نهی سواران خویش مشغول گردید و کوشش بسیار نمود که سایر سنگرها و مقامات ستارخان را خراب نماید ، با اینهمه بمقصود خویش نائل نگردید هرکس در جلو تیرش می آمد هدف سهام مرگ میگشت ، طاقت شلیکهای پیاپی همراهیان ستارخان رحیم خانرا مجبور ساخت که همراهانش را بمحدود خویش برگرداند ، روز دیگر رحیم خان را شکست فاحش رسید سیصد نفر سواران تازه قراچه داعی که بسرداری نصراة خان بتأیید قشون دولتی رسیده بود بصوف باقر خان سردار دوم مشروطین حمله نمود و دیری نگذشت که نصراة خان با همراهانش تاب مقاومت نیاورده شکست شدید یافته ملهزماً جلو ریز بطرف قراچه داعی فرار نمودند .

یوم یکشنبه ۱۳ رجب که عید میلاد علی علیه السلام بود از جانب ستارخان ۲۵ تیر توبی سلام شلیک شد و آنروز تمام مشروطین در کوجه و بازار بترجعات ملی متسرّم و مسرور بودند

در جنگهای اخیره خوف آن میرفت که بمقامات خارجه نیز صدمه وارد آید ، چه کلوه اکثر داخل محله آنان می اوقساد ، و یک نفر دربان قونسول امریکارا کلوه رسیده مجروح گردید ، رحیم خان بسیار مأیوس و دل شکسته شده باید دید عین الدوله چه خواهد کرد

نگارنده (وقایع نگار) از گردش در بازار آنچه استنباط نمود این است که محلات و اداراتیکه بقبضه مشروطین میباشند آراسته و اموال مردم محفوظ است ، و آنچه در قبضه مستبدین است بسته و ویران و دیوارهایش شکست از این روی میتوان گفت مشکل است اهالی

برز همراهی بحکومت نمایند ، و حفظ مال و جان خود را در همراهی بستارخان دانسته اند ، و حکومت تارخان را زیاده بر عین الدوله می پسندند

ترجمه از روزنامه طمس بیئی ۳ ستمبر
(واقعات ایران شاه و مجلس شورای ملی)

وقایع نگار (دیلی تلگراف) از طهران مینگارد آغازمناشئه ملت و دولت ایران همان تاریخ امضای معاهده دولتین روس و انگلیس است ار همان روز يك گروه جوش مخالفت منحوسی بین شاه و مجلس شورای ملی ایران پیدا گردید ، بر عرض هم نسایم کنیم که معاهده دولتین بالا صلا سبب این جوش و خروش بوده ولی هیچگونه انکار نتوان کرد که این معاهده تاریخ اختلاف و زحمت ایرانیان گردیده است ، نخستین دو ماه و نیم بعد از امضای این معاهده مناقشه در مسئله سرحد ضریب ایران پیش آمد ، و طایفه بریشانی اهالی گردید ، و نمایان (اشنوه) را منصرف شدند ، هنوز آن نایره خاموش نشده بود که سرحدات شمال و شرقی ایران از هیجان ترکمان واکراد محط قتل و غارت و اغتشاش شد ، از آن بعد اغتشاش محلی طهران مورد بریشانی مردم گردید اکنون ظاهر می شود که تمام این تحریکات از شخص شاه بوده است ، غرض شاه از این اغتشاشات این بود که رشته حکومت استبدادی را بچنگ آورده مانند آهه واحد خود با اقتدارات شخصی رفتار نماید ، و برای حصول این مقصود بر خود فرض نموده بود که بر اهالی حالی نماید که سبب این اغتشاشات داخله و حشرات خارجه همان سلب اقتدار است که مجلس از شاه نموده است

قتل میرزا علی اصغر خان که شخص مدبر فانی در ابراهیم شناخته شده بود شاه را موفقی بزرگ برای اجرای خیالات خود بدست داد ، و مشیرالسلطنه که سردی سفیه و ناپهم و یقین دانست ، همراهی ماخبات وی می نماید رئیس الوزرائی انتخاب نمود ، ولی بدبختانه این انتخاب هم نمری بحال شاه نه بخشید چرا که بر حسب ارادات مجلسیان هر هفته يك کابینه جدید بروی کار می آمد ، این دوره همین قسم گرفتار بود تا ۲۴ اکتوبر (۱۹۰۸) که ناصرالملک رئیس کابینه مقرر گردید ،

شک نیست این مرد مایل بمشروطیت سلطنت بود ولی چنین وعدم برش کاری از پیش نه رد تا در وقت (۱۵) دسمبر (وقت میدان توپخانه) قونی عظیم بشاه رسید موقع اهمی که بدست شاه آمد همان بود که مجلس شورای شکایت رسمی از انجمن گلستان با فرقه درباریان نمود ، و این شکایت شاه را جسور ساخت بلکه موقع باو داد که سلب آزادی بلتیککی را از ملت به نماید ، همین خیال سبب روابط پیش از پیش شاه ماروس گردید اعضا بزرگ شاه امیر مهادر جنگ که رئیس سواران محافظ شاه بود که پیش از همه نظار هواخواهی بشاه میگرد و يك نفر روسی شایمال نام که محرر اسرار و واسطه بین شاه و سیر روس بود و سمدالدوله که سردی مکار و باداش بود ، مرفه بودند این سمدالدوله بعد از جهد زیاد و ابراز مشروطیت خواهی و بدست آوردن رموز کار و شناختن ارکان مشروطیتین در حوضه هواداران شاه در آمد عظمت مجلس و جلالت شأن ملت را تقدیم شاه کرد ، ازین وقت هفته پیش نگذشت که ناصرالملک گرفتار جنگ عقوبت شاه و همراهانش شده وزیر مختار انگلیس به جاش رسیده طاقت از ابراهیم خارج شد و در همان وقت ناصر شاه بر مجلس ملی هم شایک قنک شد و مجلس هم بمشروطیت حکم به جمع اساسه داد چند نفر هم کشته شدند و شاه هم سر باز از را میهای جنگ ساخته بود ، طاقت ناصرالملک سلامت تا سرحد رسید و جانی بدر برد و خیلی خوف آن میرفت که خون ریزی عظیم و تهب و غارت بسیار در طهران بلکه تمام ایران شود ، طاقت وزیر مختاران دول منفردا و سفرای روس و انگلیس توام ازین حرکات به شاه اعتراض نمودند ، شاه عبور شد که ا مجلس صلح نماید و وعده داد که در بارینیکه شاه از آنها شکایت دارند از دربار خارج نماید و در حفظ قوانین مشروطیت تجدید قسم بقرآن نمود

با این همه تمام مواجید شاه مهمل و معطل ماند علاوه بر اینکه مواجید خویش وفا نکرد روز دیگر آن تخلف از تخلف بقرآن نمود

نتیجه این واقعات آنچه باشد ما کار داریم ، ولی يك نکته اهمی که به موقع احرا آمده این بود که سفرای روس و انگلیس در امور راجعه بایران اول و هله

سیستم خزانه شاهی موده) که برای خزینه شاهی تنظیم جدید شده. از قرائن ظاهر می شود در خزینه (۲۱۲) میوز و نیم جا خالی است. سندات استقراضی جدید جاری شده تا به تدریج فروش شود. و مسارف و مدارک با نظم و سق تمام می شود. ولی بنظر نمی آید مودن مالیات بر امورات و اسباب عیش و استنشاق هوای مصنوعی و غیره جا خالی خزینه برگردد.

§ در (هیگ) مشهر شده که اسقاط حمل ملکه (ویلمینیا) روز شنبه گذشته واقع شده ولی حالتش قرین صحت است

§ بین دره کوه (بیللاها) سه ساعت دسته قشونیکه تحت فرمان (ابراهیم پاشا) بود با باغبان کرد جنگ شد. پسر ابراهیم پاشا و ۲۰ سرباز بقتل رسیدند. جنرال علی پاشا را برای اسداد این جنگ ۲۷ بتالین در آنجا فرستاده اند ولی تا کنون نتوانسته رفع غائله را نماید.

§ (سلوورس) رهائی یافت. چه هم در عضو هم شامل بود و مشارالیه قبول ارتکاب جرم را موده توبه کرد

§ مرض وبا که در صوبجات مشرقی روسیه شیوع داشت تا (پترسبرگ) رسیده و در ایجا (۲۷) نفر مریض مبتلا و (۱۲) نفر هلاک شده اند در (۲۵) ساعت

§ بموجب خبری که از (مابورن) رسیده ظاهر می شود که حکومت بمشوره رئیس الوزرا تصفیه نموده که از (لاردودلی) خواهش شود که دسته جهازات انگلیسی و امریکائی در (الینی) روند

ترجمه از اخبار دلی میل

وقایع نگار اخبار مذکور از تبریز

باداره مزبوره چنین مینویسد

عین الدوله در نوای آذربایجان رسیده. سپهدار برای آخرین حمله بر مشروطیین رحیم خانرا تشویق و ترغیب کرده عرضشان این بود که قبل از ورود عین الدوله کار مشروطیین را بسازند و شهر را از وجود ایشان تصفیه نمایند. از طرف دیگر بواسطه رسیدن کک از قفقاز مشروطیین و انتشار خبر مشروطیت عنانی

مشروطه خواهان اربانی را قویدل ساخت. قونسول عنانی بملاحظه اینکه انتشار مشروطیت دولت متبوعه وی بر اطلاعات شهری نیز باید رعایای خود را از فرائد جراند ترکی در مساعد منع نمود. و این حکم در باطن بکنوع همراهی معنوی بدولت بود.

روز جمعه رحیم خان بتدایر عملی خود که مستور نموده بود بر کاروانسرای که ستارخان توبی نصب کرده بود از پس دیوار بفتاً حمله آورده توپ و کاروانسرا را متصرف شد و (۱۲) نفر را بجروح ساخت سپس خود را ظاهر داشته باسر و نهی سواران خویش مشغول گردید و کوشش بسیار نمود که سایر سنگرها و مقامات ستارخان را خراب نماید. با اینهمه بمقصود خویش نائل نگردید هرکس در جلو تیرش می آمد هدف سهام مرگ میکشت. عاقبت شلیکهای پیاپی همراهیان ستارخان رحیم خانرا مجبور ساخت که همراهانش را بمحدود خویش برگرداند. روز دیگر رحیم خان را شکست قاحش رسید سیصد نفر سواران تازه قراچه دانی که بسر داری نصرالله خان بتأیید قشون دولتی رسیده بود بصوف باقر خان سردار دوم مشروطیین حمله نمود و دیری نگذشت که نصرالله خان با همراهانش ناب مقاومت نیاورده شکست شدید یافته ملهزماً جلو ریز بطرف قراچه داغ فرار نمودند.

یوم یکشنبه ۱۳ رجب که عید میلاد علی علیه السلام بود از جانب ستارخان ۲۵ تیر توپ سلام شلیک شد و آروز تمام مشروطیین در کوچه و بازار بقرنات ملی منسرم و مسرور بودند

در جنگهای اخیره خوف آن میرفت که بمقامات خارجه نیز صدمه وارد آید. چه گلوله اکثر داخل محله آمان می اوتسادی. و یک نفر دربان قونسول امریکارا گلوله رسیده بجروح گردید. رحیم خان بسیار مأیوس و دل شکسته شده باید دید عین الدوله چه خواهد کرد

نگارنده (وقایع نگار) از گردش در بازار آنچه استنباط نمود این است که محلات و اداراتیکه بقضه مشروطیین میباشند همه آراسته واموال مردم محفوظ است. و آنچه در قبضه مستبدین است بست و ویران و دیوارهایش شکسته از این روی میتوان گفت مشکل است اهالی

تبریز همراهی بحکومت نمایند، و حفظ مال و جان خود را در همراهی بستارخان دانسته اند، و حکومت ستارخان را زیاده بر عین الدوله می پسندند

ترجمه از روزنامه طمس بمبئی ۳ ستمبر
(واقعات ایران شاه و مجلس شورای ملی)

وقایع نگار (دیل تلگراف) از طهران مینگارند آغاز مذاقته ملت و دولت ایران همان تاریخ امضای معاهده دولتین روس و انگلیس است از همان روزیک گونه جوش مخالفت منحوسی بین شاه و مجلس شورای ملی ایران پیدا گردید، بررض هم نسایم کنیم که معاهده دولتین بالا صلا سبب این جوش و خروش بوده، ولی هیچگونه انکار نتوان کرد که این معاهده تاریخ اختلاف و زحمت ایرانیان گردیده است، تخمین دو ماه و نیم بعد از امضای این معاهده مناقشه در مسئله سرحد غربی ایران پیش آمد، و طایفه بریشانی اهالی گردید، و نمایان (اشنوه) را منصرف شدند، هنوز آن نایره خاموش نشده بود که سرحدات شمال و شرقی ایران از هیجان ترکمان و اکراد محط قتل و غارت و اغتشاش شد، از آن بعد اغتشاش محلی طهران مورت بریشانی مردم گردید اکنون ظاهر می شود که تمام این تحریکات از شخص شاه بوده است، فرض شاه ازین اغتشاشات این بود که رشته حکومت استبدادی را بیچنگ آورده مانند آبه واجداد خود با اقتدارات شخصی رفتار نماید، و برای حصول این مقصود بر خود فرض نموده بود که بر اهالی حالی نماید که سبب این اغتشاشات داخله و جسارت خارجه همان سلب اقتدار است که مجلس از شاه نموده است

قتل میرزا علی اصغر خان که شخص مدبر فاطمی در ابراف شناخته شده بود شاه را موقتی بزرگ برای اجرای خیالات خود بدست داد، و مشیرالسلطنه که مردی سفیه و ناپهم و یقین دانست، همراهی با خیالات وی می نماید بر رئیس الوزرائی انتخاب نمود، ولی بدبختانه این انتخاب هم نمری بحال شاه نه بخشید چرا که بر حسب ارادات مجلسیان هر هفته یک کابینه جدید بروی کار می آمد، این دوره همین قسم گذشت نمود تا ۲۴ اکتوبر (۱۹۰۸) که ناصرالملک رئیس کابینه مقرر گردید،

شک نیست که این مرد مایل بمشروطیت سلطنت بود و بیچین وعدم برض کاری افزایش نه رد تا در وقته (۱۵) دسمبر (وقته میدان توپخانه) قونی عظیم بشاه رسید موقع اهمی که بدست شاه آمد همان بود که مجلس شورای شکایت روسی از انجمن گلستان یا فرقه درباریان نمود، و این شکایت شاه را جسور سلطنت بلکه موقع باو داد که سلب آزادی بلتیک را از ملت به نماید، همین خیال سبب روابط پیش از پیش شاه ماروس گردید اعضا بزرگ شاه امیر هادر جنگ که رئیس سواران محافظ شاه بود که پیش از همه اظهار خواهی بشاه میکرد و یک نفر روسی شاپشال نام که محرر اسرار و واسطه بین شاه و سیز روس بود و سعد الدوله که مردی مکار و باداش بود، مرفی بودند این سعد الدوله بعد از جهد زیاد و ابراز مشروطیت خواهی و بدست آوردن رموز کار و شناختن ارکان مشروطین در حوضه هواداران شاه هر آمد عظمت مجلس و جلالت شأن ملت را تقدیم شاه کرد، ازین وقته هفته پیش نگذشت که ناصرالملک گرفتار جنگ عقوبت شاه و همراهانش شده وزیر مختار انگلیس به چانش رسیده طاقت از ابراف خارج شد و در همان وقته ناصر شاه بر مجلس ملی هم شایک تنگ شد و مجلس هم بمشروطین حکم به جمع اسلحه داد چند نفر هم گفته شدند و شاه هم سرافازان را سویای جنگ ساخته بود، طاقت ناصرالملک سلامت تا سرحد رسید و جانی بدر برد و حلبی خوف آن میرفت که خون ریزی عظیم و نهب و غارت بسیار در طهران بلکه تمام ایران شود، طاقت وزیر مختاران دول منفردا و سفرای روس و انگلیس توام ازین حرکات به شاه اعتراض نمودند، شاه مجبور شد که با مجلس صلح نماید و وعده داد که در بار یانیکه شاه از آنها شکایت دارند از دربار خارج نماید و در حفظ قوانین مشروطیت تجدید قسم بقرآن نمود

با این هم تمام مواعید شاه مهمل و معطل ماند علاوه بر اینکه مواعید خویش وفا نکرد روز دیگر آن تخلف از تخلف بقرآن نمود

نتیجه این واقعات آنچه باشد ما کار نداریم، ولی یک نکته اهمی که به موقع اجرا آمده این بود که سفرای روس و انگلیس در امور راجعه بایران اول و هله

بود که اتفاق عمده توأم داشت بشاه دادند، و از آن بعد هم در روز آوردن بشاه مواقع عیدیه پیش آمد بعد از این واقعات هم شاه را موقع محبوب‌القلوب در ملت بسیار نیکو پیش آمد افسوس که نتوانست از او فایده حاصل نماید.

از ابتدای جلوس محمد علی میرزا اهالی ایران از وی خوشوقت نبودند، هبتر آنکه شش ماه بواسطه افعال زشت خویش از ملت بر جان خود می‌ترسید م مذاکات هیچ وقت خوف و خشیت وی مانند امروز نبوده که رؤسای روحانی مذهب شیعه رسماً او را تکفیر کرده‌اند بواسطه این حکم امروز از خواص خویش هم خوف آن دارد که بقتل وی مبادرت نمایند شاه از این حکم در چهار دیوار قصر خویش گویا محصور است، چه خوف آن دارد که هر کس دو هر موقع بر او دست یابد ویرا قتل رساند، پس از نیک نوب بر خانه خدا و تحائف از تحلف بقرآن مجید فرد فرد ایرانیان از اطالی و ادانی حق اطفال خورد سال در کوجه و بازار بر او لعنت می‌فرستند.

غرض ما از این عنوان آن است که تمام الزامات را بشاه دهم بلکه مقصود واقعه بویسی و صاف بیانی است لذا با وجدن صاف خود می‌گیریم که وکلای مجلس ملی در هم در انجام وظائف خویش قابل و لایق ثابت شدند، جلسات مجلس را ترتیب صحیح بود نظم‌های وکلای نام بی معنی و اقداماتشان در کاره بی اثر و مهمل می‌ماند.

نظام السلطه شهرتی بلیاقت کرده بود ولی عظمت عهده و مقام خویش را بشناخت در هدایت و راهنمایی بمجلس ملی و محنت معاملات نائل نگردید و بصراحت بکلای ملت واضح گردید که بدرجه کمال مخالف با مشروطیت و باطلالات شاه همراه است، ناهمی او را دلیلی بهتر ازین نبود که در اصرارهای مجلس تحمل نکرده اظهار بی‌قراری میکرد.

در اواخر مشروطیت نفوذ مطلقه را در کلیه امور دو طبقه دارا بودند، اول انجمنها دوم نواب علما هر دو نیز همواره در مجلس موجود بودند میتوان گفت انجمنها بطریق عموم پلنکی بود علما هم همان پیشوایان مذهبی هستند که بواسطه اطاعت ملت از آنها اقتدارات نامه

داشتند و دارند، و این طبقه ابداً مطیع شاه نیستند ولی این عزیزان ملخصر است بمجتهدین بزرگ مذهب شیعه که در کرمان و نجف میباشند.

ملک انجمنها از ابتدا طرفداری مجلس شورای و افتتاح آنها هم از جانب افراد رعایا بود و چون انجمنها را خود ملت گشاده بود هرگز بخل آنها تن در میدادند.

ما در حق ارباب انجمنها همین قدر میگوییم آنرا یقین حاصل شده بود که نومی پادشاه منبر هبچگونه نخری نیست، علما قالب مهمل و بی‌کاره ثابت گردید، اما مجتهدین بلا شبهه اقتدارات ایشان چه در داخله طهران چه در خارج شهر پای تخت زیاد بود که من جمله آنها آقا سید عبدالله مجتهد و آقا سید محمد طباطبائی بودند که الحاق درین دوره کارهای نمایان نمودند.

در اول وهله مشروطیت تمام علما طرفدار و همه در سلب اقتدارات شاه متعهد بودند، ولی بعد بعضی اختلاف کردند، یعنی چنان دیدند که از همراهی ایشان اگرچه اقتدارات شاه سلب می‌شود، ولی قوت ملت با اندازه بالا خواهد گرفت که فردا اقتدارات آنها نیز سلب خواهد گردید، و همانقدر که این آزادی ملی برای شاه نقصان بار آورد رؤسای مذهب برای خود هم منبر تصور کردند، ازین رو بعضی خود خرمشان آنها آزادی مشروع را به کنفیات تعبیر کرده مخالفت آفازیدند، ولی علمای بی‌غرضی با دیانت که طرف دار حریت ملت اند، بیشتر و مقتدر تر اند.

مکتوب از اسلامبول

البته در ضمن اخبارات تلگرافی خارجه و جراید اروپا از موقوف شدن استبداد و برقرار شدن قانون اساسی و امر با افتتاح مجلس مبعوثان در سه ماه دیگر در عموم بلاد دولت عثمانی خاصه شهر پایتخت اسلامبول خاطر مبارک مسبوق است مسئله که با اتفاق واتحاد فرقه عسکره اردوی دوم و سیم یعنی پاشاوات و صاحب منصب‌های آنها که اعلیحضرت سلطان را قهرماً و جبراً خواه بخواد قبولابیده اند که موجب قرار داد مجلس وزراء خاص اراده سنیه صدور یافته شرح آن را از مختصراً روی جراید ترکی و عربی آزاد در دو صفحه عرض نموده ام عین ترجمه جراید مذکور است

ملاحظه خواهيد فرمود هرگاه نخواهم تفصيل جشنهای عمومی که بواسطه اعطای قانون اساسی و مجلس ميمونان و حریت جرابد و افکار و غیره بمشوم عنای ها داده شد در تمام ولایات خاصه در اسلامبول و بلاد روم ایلی و سوریه عرضه بدارم کتابی علاحده لازم است قلم و بیان هم از شرحش عاجز است، همین قدر بدانید از فضل خداوندی و همت اتفق صاحب منصبان فرقه عسکریه میباشد بک حرکت و جوش و خروش همومی در تمام ولایات دیده می شود گویا آن مخلوق اول را عوض نموده اند چه خطابه وجهه اطلاق ما که در مجمع و محافل همومی فصحا و بانها ندادند و ملت را از خواب غفلت و جهالت بیدار و بمقتوق خود واقف نمودند، هر گوشه و کنار ~~سکه~~ شخص ملاحظه می کند غیر از محبت قانون اساسی و حریت و مساوات و اخوت بین اسلام و نصارا و یهود و عثمانيين مطلبی دیگر میباشد، با آن استبداد فوق العاده سی و دو ساله که هم ملت را از گوش کر و از زبان لال نموده بودند و سیصد هزار و پانصد خفیه در اسلامبول نفس های هموم را قطع نموده بودند که احدی قوه هدایت که مثلاً اسم وطن را بر زبان جاری کند فوراً نام سیاسی او را گرفته شب در دریا غرق می نمودند بک مرتبه ورق برگردده این بست مگر از جانب خداوند که قوه دولت را که عسکریه باشد طرفدار حریت و قانون اساسی و ضد استبداد قدیم بر می انگیزاند بقیه بدانید اگر این قوه عسکریه طرفدار نیاید این ملت کور و کر بحس که فساد استبداد خون حیت و غیرت آنها را گرفته بود که قابل و قادر بحرکت نبودند هیچ وقت باین آرزو نائل می شدند، معروف است هذا من برکة البرامکه، هموم هدایت و وزیرای قدیم را بحس و توقیف نموده اند غیر از فرید پاشای صدر اعظم سابق و توفیق پاشا ناظر خارجه دو سه نفر از مقربین که یکی احمد عزت پاشای شاهی الاصل که التابک اعظم دربار عنای بود و سلیم پاشای ملحمه وزیر معادن و حسنکلات وسایل و دبایس فوق العاده نائل بفرار از قتل باروبا شدند هموم اعالی اسلامبول از فرار آنها متأسف هستند ما وجود طایل نبودن سلطان بقتل آنها هرگاه گرفتار شده بودند غیر از کشته شدن بدست هموم ملت خلاصی

نداشتند، ما وجود اینها تمام املاک و ثروت آنها را در هر جا که هست توقیف نمودند که نمی توانستیم بخارجه و نه بداخله فروشنند یا رهن بگذارند احمد عزت پاشای مذکور جهاز انگلیسی معروف (طاریا) را هشت هزار و پانصد لیره خرید خودش و طائفه اش در او فرار باروبا نمودند در گذرگاه رودانیل ~~سکه~~ جنای قلعه می گویند چهار مذکور را توقیف نمودند قونسول انگلیس ایستادگی نمود بسفارت اسلامبول خبر داد امر از سفارت بهم تسلیم احمد عزت پاشا رسید آخر بایستادگی نمودن و سی سفیر انگلیس جهاز مذکور از توقیف خلاص مسئله برندیزی ابطال شد تقدماً امر و سی در هر جا بدست فرقه عسکریه که موسوم (فرقه اتحاد و ترقی عنای) میباشد خواه خواه میباشد در هر ولایت از والی و مشیر و اجزای ملکیه و عسکریه و غیره هرکس را بخواهند منزل و نصب می کنند مثلاً بوم قبل در این شهر کوماندان ضابطه و رئیس پابس و مفتی شهر را منزل نمودند در بیروت سر مدیریت پست و تلگراف را همین فرقه منزل نمودند هر چه از صدارت می طلبند فوراً اراده سزیه از طرف فتنه باحرایش صادر می شود بواسطه مداخله نمودن فرقه مذکور در هر جا در امورات حکومتی عملی بعضی سیاسیون طاقت این کار را بد می بینند که منجر بدو فرقه شدن شود و همان اسباب بدبختی که در خاک وطن عزیز ما فراهم آمد در خاک عنای هم فراهم بیاید کسبه و نحار و اهالی خلیل متوحش از عواقب هستند فقط فرقی که عنای ها با اراکین ها دارد این است که هموم قوه دولت که عسکریه باشد مؤسس و بانی و طرفدار و مؤید این کار هستند و تمام هم قسم شده اند که تا آخر فطره خون خود را در راه ترقی و محات وطن بریزند بل چنین کنند بزرگان چه کرد باید کار خدایا تو گواهی که حقیقت عرض می کنم واقعه هر وقت قد و بالای این ضباط عسکریه عنای را می بینم با آن حیت و غیرت و وطن پرستی که اقتضای سموم می لغند بواسطه محات دهنده بودن آنها وطن را از بجه ظلم و استبداد بی اختیار آه حسرت از دل میکشیم و اشک حسرت جاری میشود خاک بر سر صاحب منصب های حان بی علم بی شعور

س ما اند که هم را لاف و کزاف اند و از خودشان عوض نفع غیر از ضرر بوطن و ملت بخاره بی صاحب چیزی طهر نمی کنند در وقت دعا هم رسم و فرامرز هستند در مسائل دشمن مثل ربهاء هستند و در حقیقت دشمن بزرگ بوطن هستند همانا فرق از بی علی آنها و با علی ضباط عثمانی میشوند چنانچه می فرمایند (هل یستوون الذی یعلمون والذی لا یعلمون) اینها غالباً در مدارس عسکریه اروپا و عثمانی غیر از علم عسکری علم حقوق و بوطن برسی جبری تمام نگرفتند بوطن را حمایت می کنند و خلاص می کنند نه بادشاه مستبد را ولو اینکه درباره او اعتقاد امیر المؤمنین و خلیفه بودن داشته باشند بعکس ایران که پادشاه را سلطان ظالم و جابر میدانند

باری این مطالب آخر ندارد و نزدیک است این سمحه دوم هم تمام شود مطالب همه ناگفته و ننوشته ماند
(شرح ابن هجران و ابن خلدون جگر)
(ابن زلفان بگذار تا وقت دگر)

تلکرافات بومیه خریده احوال بومیه بیروت را که درباره ایران مینویسد البته از جراید (طمس) وغیره مینویسد بنده هم عرض می کنم
تلکراف چهارم روح از پزیر برگ حرب در تبریز دو مرتبه واقع شد قوسل دولت عثمانی بحکومت عمایه ابلاغ نمود (مرگام حرب توقیف شود دولت عثمانی عبور است مداخله نماید) تاریخ مذکور از طهران بوسطه اعطای قانون اساسی در خاک عثمانی سبب هیجان عمومی در طهران شده خلف و بلوای عمومی می رود یکصد نفر که عمده آنها بحر معبر هستند التجا بسفارت عثمانی آورده اند استدعا نموده اند که مجلس را باز کنند

تلکراف ۸ رجب از طهران شاه بسدرت عثمانی سخت گرفت که اهالی را بدون جهت چرا پناه داده اند سیر امر بخارج شدن نمود ایران ها راضی نشدند
تلکراف ۹ رجب از طهران ایرانی ها که پناه بسفارت عثمانی آورده بودند لا علاجاً موجب امر سیر خارج شدند

تلکراف ۱۰ رجب از تبریز از فرقه جوانان عثمانی حریت طلب (فتاة ترکیه) اهالی تبریز را بوسطه

انجام اسلامیت تشویق و تحریک در طابیدن قانون اساسی و فتح پارلمان نمودند ایضاً ۱۰ رجب از طهران عالی تبریز بخواست حریت طلب عثمانی متحد و یکی شدند

تلکراف از جریده اقدام ترکیه از ۲۶ جمادی الثانی الی ۲۹ شهر مذکور حرب عمومی در تبریز واقع شد اهالی و سرباز محل تجارت باجر روس را غارت و آتش زدند محل تجارت شبیه ماکینه خیاطی کار خانه سفیر هم آتش گرفت خساره زیادی باو رسید فونسل روسیه با حکومت در گفتگو میباشد

تلکراف اسلامبول عموم معتبرین تبعه ایران بوسط ارفع الدوله تلکراف بشاه نمودند که مرگام رفع خونی تبریز شود و مجلس پارلمان حالا باز بشود تماماً تبعه عثمانی خواهند شد جواب رسیده هیئت مخصوص برای عدم محاربه به تبریز فرستاده شد پارلمان قریباً مفتوح می شود آورده باشید تلکرافات زیاد است

انقلابات سیاسی

نگارش ممبرالمالک مدیر تمدن

(مصادمه مشروطیت ایران با پاتیک روس و انگلیس)
امروز اگر بدقت در اوضاع آسیا نظر افکنده و قطعات آن را بجزایر موارنه سنجیده قطعه ایران را از همه سخت تر در تحت رقابت اقتصادی و فشار پلنیک دو دولت باشد وجه مبتلا و دچار خواهیم یافت بطوریکه دربار روس و پارلمان انگلیس را دقیقه از مراقبت این قطعه فراغت دست نمیدهد ۱۱۱

چرا ۱ بجه جهت ۱۲ برای اینکه انگلیس ایران را یکی از راه های هند و روس برای اینکه ایران یکی از راه های است که ممکن است او را بپند برساند

از چند قرن بدین طرف این رقابت اقتصادی و معارضه پلنیک بحدت و ضعف بین این دو دولت علی التولی جاری بوده ولی در قرن نوزدهم سبب مخصوصاً در ربع اخیر قوت مزبور اقدامات ترقی فوق العاده روسها که مسبوق بر اقدامات پلنیک آنها بود و در واقع اقدامات پلنیک آنها را تهیه مینمود پیشرفت انگلیس مسا را غلب انداخته و پلنیک روس در قسمت بزرگ ایران قوتی شایان حاصل نموده آسیای

وسط تقریباً میدان نفوذ و قدرت روسها گردید
در تاریخ ۱۸۸۹ مسیحی نفوذ روس در تبریز و
مشهد و طهران اهمیت کلی پیدا کرد و مخصوصاً بعد
از عهدنامه نجاشی ۱۹۰۲ که موقع احری گذارده
شد نفوذ تجارتي روسها جندان مضاعف گردید که
در قاصده ده سال واردات روسی از ده میلیون منات
به بیست و یک میلیون منات بالغ و همین ترتیب هم بر
صادرات بسمت روسیه افزوده شد

بانک استقراضی روس ~~سکه~~ شعبه از بانک دولتی
پترسبرگ شمرده و در ایام مظفرالدین شاه افتتاح یافته
و اهمیت فوق العاده حاصل نموده بود پیشرفت نفوذ
روسها را در ایران کمک و تقویت شایلی نمود
ولی آن درجه نفوذی را که دولت روس حاصل
نموده تنها از راه تجارت نبود

در سنوات اخیر دولت روس بواسطه همین بانک
دولت ایران را مطیع خود فرار داده استقراضات
دولتی ایران را بجانب خود جلب نمود

در تاریخ ۱۹۰۰ دولت روس ۲۲ میلیون ونیم
منات بدولت ایران قرض داده و طادات کمرکات ایران
باستثنای کمرکات حلبیج فارس را در مقابل این طلب
رهن گرفت و امتیازات دیگری که با حال سهل انگاری
رجال دولت ممکن بود تحصیل نموده و در قرار داد این
استقراض مقرر گردید که دولت ایران از این استقراض
کلیه قروض سابقه خود را که از آن جمله خود قرضی که
در تاریخ ۱۸۹۲ از دولت انگلیس شده بود بردارد
در تاریخ ۱۹۰۲ دولت روس ده میلیون منات مجدداً
بدولت ایران قرض داده و شرایط استقراض را محکم
ساخت

در واقع طلبکار از دولت ایران تنها دولت روس
شد و با تمهید مندمات سابقه جندان پایه خود و اقتدار
خود را در ایران استوار نمود که گذشته از ایران
هندوستان را در محله خود از هضم رابع گذرانده میدید
پیش آمد جنگ شرق اسی که دولت روس را
یکباره بخود سرگرم و بهرور نفوذ سابقه ایران را حانه
وار در انگشت می بنداشت انگلیسها را فرصت و
موقع مفتنی بدست آمد

در موقع هیجان ۱۳۲۴ انگلیس با خیالات حقوق

طلبانه ایرانیان طرح موافقت ریخت و بانک روس
ملت ایران را بجزوب خود ساحلت
این توجه ملی که در علم سیاست و پلنیک داری
مقامی عالی و اثری کف است نقشه نفوذ و پلنیک
چندین ساله روس را که با خون حکم تحصیل نموده
درهم پیچیده نفوذ انگلیسها را در ایران حیاتی روح
افزا بخشید

مات ایران که با یک صداقت بی غل و غشی در
جاده پلنیک کور و زحیله و نذوب دورند این موافقت
انگلیس را بچشم دیگری نگریسته دولت انگلیس ر
در صدر سینه خود جای دادند و در واقع هم دولت
انگلیس را کم مانده بود که یکباره یک ناز این میدان
گردیده رقیب چندین ساله را از جلو بردارد

اینک افسوس که انگلیسها را ما شدت هوش و
ذکاوتی که بخود می بندند در پیچ و خم پلنیک با لغزیده
نقشه و دستور چندین ساله رجال بزرگ انگلستان را
که قای هند را بنیای این رقابت غیر ممکن الزوال
میدانستند پشت بازده و بجهله و نیرنگ روسها فریب
خورده لبط بزرگی که دامنه ذکاوت رجال انگلستان
را تا ابد ملوث داشت بر خود هموار نموده

و ایران را فدای استقلال خیالی هندوستان ساخته در
کمال مغیور نقشه تقسیم ایران را ریخته و دولت آلمان
را که سمت مدعی العمومی بین دول یافته و قای حیات
اقتصادی خود را با اشتیاق هوای جدید آید دستنه
و تاکنون هم تدبیر منجابه نگار برده کان لم یکن بند نشنه
و با یک عجله ممت رانه عهدنامه دسمبر (۱۹۰۷) ر
فیصل دادند

ختم این تقسیم در هر قسمی و باطن پلنیک
اول وهله اختلال مشروعت بر رشت

جه انجام رسد دو تاین در پیصله این تقسیم موکول
و موقوف بود که هر یک در شرط تقسیمه خود تحصیل
امتیازات نموده و هر یک عظیمه مملکتی را بدست
آورده بی خون حکم - اهد مقصود ر در افش
گیرند لکن چیزی که مانع از حصول این مقصود شده
میشد مشروطیت و مملکت مسیتم اعضای پارلمان ایران
بود که از بی ایت نهایت با هضم حزم از دیاد نفوذ
دولتین را مانع بودند

حادثه (۲۳) جادیه که برخلاف تصور بانه مشروعیست و استعمال بران را معتقدین طبقه زمین است و نمود گرچه ظاهر تحریکات شهری روس بود، ممکن انگلیس را هم در این فتنه بی طرف تصور نتوان نمود

چیزی که خلیل مابیه حیرت عسلا و مضحکه نکته گیران شد ثبات عزم و ثبات عهدی بود که بلا فاصله از دولت روس در محافده با انگلیس ظاهر گردید و بر ملا اساس این اتحاد را مهتم و خود یاد آورده و آب رده انگلیس را مثل طومار بر هم پیچید

بلی فیصله قرار داد ربوال نتیجه که بحال انگلیس محشید همان است که رقیب قوی بجه خود آلمان را بش مرتبه بروی کار آورده ملت ایران را از خود منفر و بدو متوجه ساخت

نتیجه حتمی الوقوع دیگری که غمخیز بهر صفت ظهور خواهد پیوست شکست قاجاری است که به نحریت روس و انگلیس در ایران وارد خواهد آمد البته ملت بیدار که امروزه چهار چشمه دوست و دشمن خود را می بیند سد از این اگر بابت هیچ هم قناعت کند بول سنگت خود را بچیب ایسان نخواهد ریخت

ولی چیزی که هست ما رحمت اتحاد و ارتباط سه که ما دولت و ملت انگلیس داریم و ملت انگلیس را در هر حال طرف دار عدالت و هوا خواه اصاف میدانیم از رحال ما کیاست انگلستان امیدواریم که پیش از این فریب حبشه و برنک روس را نخورده توجه بحومهات ما را از خود سلب ننماید

سواد مکتوب سفارت انگلیس

﴿ راجع توهین وارده سفارت ﴾

﴿ وزارت خارجه ایران ﴾

﴿ تاریخ سوم جمادی الثانیه ۱۳۲۶ ﴾

معاد تلگراف مورخه بیست و نهم جمادی الاولی گذشته جناب اشرف ارفع را که بر حسب امر اعلیحضرت اقدس شهریاری برای وهنی که در عرض چندین روز سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان وارد آمده اظهار تسف فرموده بود بنظر اولیای دولت خود رسانیدیم و بر حسب دستور العملی که امر به از وزیر امور خارجه

اعلیحضرت پادشاه انگلستان رسیده مأمورم بحسب اشرف ارفع اطلاع دهم که بطریقه بی احترامی های مکرره که با وجود پروتست های رسمی دوستاندار ر طرف پلیس و ریگاد قزاق نسبت باین سفارت شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پس از دقت کامله بوضع سعی صکه ازین نابت حاصل شده است مطالبات دلیل را طلب مینماید

(۱) قزاق و پلیس را از حوالی سفارت بردارند و متعرض رعایای انگلیس و نوکر هانشود

(۲) وزیر دربار از طرف اعلیحضرت اقدس شهریاری و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران هر دو بلباس تمام رسمی سفارت انگلیس در شهر دارالخلافه آمده رها و کاملاً از دوستاندار معدرت بخواهند و پیش از وقت عمدت کافی از آمدن خود اطلاع دهند

(۳) تمام اشخاصی را که درین اواخر برای کار های متداولی بسفارت میرفته یا از آنجا بیرون میآمده گرفته اند فوراً مرخص نمایند

(۴) ضمانت نامه نامصای اعلیحضرت اقدس شهرهای برای امنیت جان و مال و شخص اشخاصی که حال در سفارت متحصص هستند بدوستاندار داده شود

(۵) اگر در میان متحصصین اشخاصی پیدا شود که اتهام خنایی بانها برود باستندای خنایت المیکه که حال معمو است آنها را بقاعده در حضور یک نفر از اجزای سفارت انگلیس استتطاق نمایند

الحال که این مطالب را بنظر جناب اشرف میرسام مأمورم اظهار نمایم که گر فوراً این مطالبات محوقم قبول نیاید و از رویه دقت عمری بشود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مجبور خواهد بود که هر اقدامی مناسب بداد برای تحصیل ترمیم این رفتار که خود را بحق بر آن میداد بجا بد بر حسب دستور العمل اولیای دولت متبوعه خود شروط فوق را بنظر اعلیحضرت اقدس شهریاری رسانیده ام

حساب لایحه سفارت از طرف وزارت خارجه

(تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۶)

جناب عدت و فخرات همراه نجات و نهالیناه دوستان استظهار امشفق مکرم مهربان ! از مفاد مراسله محترمه

آن جناب مجدتمراه مورخه ۴ شهر حال مبنی بر پنج قره مطالی را که اظهار فرموده اند که بر حسب دستور العمل دولت معظمه منبوعه خود اولیای این دولت علیه تکالیف نموده اند استحضار حاصل گردید مراتب را برض پیشگاه مقدس ملوکانه دام سلطانه رسانیده و از آنجا که نیت مقدسه شاهنشاهی را توجه خاص محافظ استحکام بنای دوسق و یکجبهی بین دولتین میباشد و برای اثبات این نیت خالص تکالیف مزبوره را بحسن قبول بذرفه بدوستان امر و مقرر فرمودند که خاطر دوسق مظاهر آن جناب را از قرضی مطالب مفرجه در مساله محترمه قرین استحضار دارد، و در فقره سیم البت آن جناب بحدت همراه بدولت عالیته ایران اطلاع خواهند داد اشخاصی که باید خلاص شود کدامند تا احکام لازمه در این باب صادر شود و در خصوص فقره چهارم اطمینان جان و مال اشخاص متحصنین آن سفارت داده می شود، ولی همان طور که شفاها زحمت دادهام و اولیای آن دولت فحیمه مسبوق میباشد لزوم مسافرت بعضی از بناهندگان آن سفارت را برای یک مدت معینی از متذکر میشود که برای امانت مملکت نیت لزوم را دارد، و برای اجرای آن مطابق مزبوره احکام لازمه صادر شده است و بدیهی است که دیگر این مسئله را بطور کافی ختم شده خواهند دانست و امیدوار است همین رسم که از طرف اولیای این دولت علیه هم وقت حق المهور می و کوشش شده است که اظهارات آن دولت فحیمه را بنظر مساعدت و حسن قبول می نگردد از طرف اولیای آن دولت ذبشولت نیز حسن مساعدتهای این دولت علیه را بنظر قدر شناسی ملاحظه خواهند فرمود درین موقع احترامات فایده خود را نسبت با آنجناب تجدید مینماید

نطق وزیر خارجه ایران در سفارت روز ۱۳ ج ۲ دولت علیه ایران با نهایت افسوس استماع نموده اند که بعضی از مأمورین جزو در موقع اقداماتیکه فقط برای حفظ نظم و امنیت اهالی شهر دار الخلافه منظور بوده در اجرای وظایف خود بعضی رفتار غیر محترمانه نسبت بسفارت محترمه اعلی حضرت بادشاه انگلستان که برخلاف دستور العمل آنها بوده نمودند، لهذا اعلی حضرت اقدس شهریار بی نهایت عدم رضایت را از رفتار مأمورین خود حاصل فرمودند و بمن امر فرمودند که مراتب افسوس قبی خودشان را از این اتفاقات که به چوچه موافق حسیات دوستانه نسبت بدولت انگلیس بوده است بجناب عالی ابلاغ دارم

ترجمه از روزنامه ویلز

۲۵ اکت

وقایع نگار روزنامه موصوف از طهران مینویسد رجال شاه دوست دربار خاصه روسیانی که طرفدار شاه اند، و کاملاً از اخبارات در عالم تمدن اروپا واقف میباشدند همین که دیدند حرایب اروپا هم روره یکنوازی و حشیمه و حرکات سببه شاه را که مورت اثر بر خواطر متمدنین است نشر و اشاعت میدهند با اتمتای بی وحدانی کمر استحضار افعال شاه و مجبوریت اوزار مدین حرکات بسته، از نیت حولانی باشاره سفیر و کلبه ن خاصی از چند نفر اعضاء تشکیل شده مشوره مینمایند که بجه اصول استحضار حرکات شاه، و دفع الزام و حشیمه را از دربار ایران مینماید

از تاریخ انعقاد این کنسیون تاکنون (۲۸۶۰۰۰) فرانک خرج تنکرات بجزایر اروپا و حق الفلم و قایع نگاران جراید و غیره نموده، در این موقع سفیر از شارلنای شاد هم در خارج و داخل به اسامی مخالفه برای استحضار حرکات شاه معاهد شده حب و بغل خود را بر نموده و مینمایند

چون حرکات سببه شاه با اذعان بوده و هست که جای برده پوشی و استحضار باقی نموده ارباب حرایب فرانک با آن وجدن سق که درند هیچ یک به نیت ایلایه این حزب شکم برست همراه نگردیده، برخی هم که از وقایع کاران خود اندک استنهام استحضار و شب و ریت شده حسیات شخصی خود را در مسائل محسوسه خویش دریغ کرده با ترک تمام تأسیب آنکه تکلیب وقایع نگارن حق ما شناس خویش را نموده اند. چنانچه روزنامه (نوغری ملاد)

عجب تر آنکه کثافت کارهای روز مره شاه و

سواد دستخط شاه بوزیر خارجه

چون چند نفر از رعایای دولت علیه که از رفتار خود خائف بوده بسفارت دولت انگلیس پناهنده شده بودند بنظر برتاب احترام آن سفارت تصصیرات گذشته آنها را مقرر فرموده بسدور این دستخط امر و مقرر مبرماتم که بموجب سورنیکه از سفارت انگلیس داده شده اشخاصی که در آن صورت اسامی آنها مندرج است از حیث جان و مال و شخص مطهش بوده و از تصصیرات گذشته خود ایمن باشند و بعضی از آنها که وجودشان اسباب فساد است اگرچه تصصیر گذشته آنها مضمون است لیکن لازم است که چندی خارج شود صورت اسامی را برض رسانید تا تعیین مدت خارج شدن آنها بشود

﴿ جبل المتین ﴾

این امر دال است بر اینکه شاه و درباریان مصممند که هر وسیله واسم باشد دست تصرف در قانون اساسی دراز نمایند. ایرانیها باید بدانند که اگر قانون اساسی آنها دست خورد مشروطیت ایران خافه پذیرفته، آنوقت همان حال دومی روس را پیدا خواهد کرد یا بدتر از آن. ایرانیان میدانند که باعث صدمه ها کرور خساره ایشان و قتل هزاران نفوس ذکبه برادران آنها در راه حفظ مواد قانون اساسی شده. اگر به تصرف در قانون اساسی خود تن در دهند هم جهالت و دناوت خویش را ظاهر کرده اند. و هم بی حیثی و بی غیرتی و بی پروا شان درباره آنها شهدای مظلوم ظاهر خواهد گردید در قانون اساسی ما هیچ وجه نباید تصرف شود ورنه از مشروطیت ایران باید چشم پوشید

(۲۶ رجب)

در محارت سلطنتی طهران ارکان دولت و طرفداران شاه انجمن شده چنین رأی داده اند که هر يك از مبعوثان ملی پارلمان جدید باید اقرارنامه را امضا نمایند که در مخالفت احکام صادره از شاه هیچگونه اظهار مخالفت نکرده بحث نمایند (یعنی اسم مشروطه و رسم مستبدانه جاری باشد)

بموجب تلگرافیکه به پترسبورگ رسیده حریت طلبان تبریز اجتمع نموده چنین رأی داده اند که طرفداران شاه را که سرا در انتظامات خال میروسانند از میان بردارند. عین الدوله هم بطرفداری مستبدین نامزد شده، دوازده نفر از رؤسای مشروطیین نزد وی رفته از او اقرار گرفته اند که ترك مخالفت گوید. عین الدوله خواهش کرده است که اهالی ترك جنگ گفته خود شان ترك سلاح گویند. مشروطیین جواب داده اند که اول باید دولت ترك همراهی مستبدین که مایه اختلالند بنماید، و دارالشورای ملی فوری منعقد شود. و وزراء از مشروطیین انتخاب شوند و عضو عمومی به مشروطیین داده شود و مستبدین از شهرها خارج گردند من بعد آنها ترك سلاح خواهند گفت عین الدوله دارای سه هزار قشون و ۱۲ توب است ستار خان دارای پنج هزار قشون و هفت توب میباشد

(۲۷ رجب)

حکیم الملک را از دربار باین جرم خارج نموده اند که استنهام مشروطه خواهی از او شده است بموجب تلگرافیکه از تبریز به لندن رسیده شهر در نهایت انقلاب و مجدداً جنگ در گرفته است

(۲۸ رجب)

امروز رؤسای مذهب شیعه در مساجد تبریز

و وحشیگریهای دائمه دربار ایران همه روزه رنگ و بوی میزند زشت کارهای سابقه ایشان را

بنازه کیسیون مزبور رأی داده که چند نفر از اشخاص مختلفه الطایفه را سپر و سیاحت اروپا گسیل داشته فقط کار ایها آر باشد که در بلاد معظمه اروپا گردش و هر قدر بتوانند بحیثیت يك شخص بی طرف ایرانی مشروطه خواه بفرایند بزرگ معلومات شخصی از ایران بدهند. دستورالعمل این فرستادگان آن است که بدو خود را بفرستند ضد شاه معرفی نموده. چند الزام سبک قابل العفو باو داده. جنایتهای سنگین و سنگ های لایق را حمل بر وکلای مجلس ملی نمایند. و نتیجه از معلومات شان چنین ظاهر شود که ملت ایران قابل مشروطیت بود و تا سالهای دراز هم محو می بود. کیسیون مذکور برای مصارف سری و عانی این مصلحت مجدداً سدهزار فرانک حواله کرده است

﴿ تلکرافات راجعه بایران ترجمه ﴾

﴿ از اخبارات خارجه ۲۵ رجب ﴾

بموجب تلگرافیکه امروز از تبریز رسیده جلیل آقای مهدی که يك از اعضای انجمن بود در حلیکه از نجس بیرون می آمد او را قتل رسانیده اند عین الدوله ریش سعیدان شهر تبریز را ملاق شده از آنها خواهش کرده مطالب ملت را رسماً تقدیم نموده تا در انجامش کوشش نماید. لذا انجمن ایالتی تبریز رسماً منعقد و شرایط صلح را بموجب ذیل پیش نهاد کرده است - اول - طرد و تبعید مستبدین مقتدر را از شهرها خصوصاً از تبریز - دوم - عفو عمومی و رجعت مستبدین - سوم - افتتاح فوری دارالشورای ملی - و ضمناً اظهار داشته اند تا وقتی که خواهشات آنها صورت نگیرد ترك سلاح نخواهند گفت

بموجب تلگراف لندن ایرانیان مبعین اسلامبول هزار و پانصد ایرا وجه طاه بتوسط انجمن ایالتی تبریز برای تشکیل اردوی ملی بستانار خان رسانیده اند چون درباریان شاه مبدوری زیاد بعین الدوله داشته و دیدند که درین مهلت هیچ کاری از پیش وی برقه نوحه شاه را از او منحرف داشته نسبت بوی بدکان شده اند

من جمله شرایط صلحیکه اهالی آذربایجان بعین الدوله پیش نموده بودند یکی هم این بوده که آنچه از وکلای پارلمان سابق موجود است باید در پارلمان جدید وکالتشان برقرار باشد

وزیر امور خارجه ایران قانون اساسی عثمانی و قانون انتخابات وکلای شورای ملی را از سعادت اسلامبول تلگرافاً خواسته سفیر کبیر هم فوری فرستاده است

جمع شده رسماً برخلاف شاه اعلان جهاد داده اند .
شهر تبریز در منتهای انقلاب و مردمان بیگار از هر
طرف دست بطارت زده سه هزارخانه و هزار و پاسد
دکان را قارت نموده اند

(۲۹ رجب)

بموجب تلگرافیک از طهران بلندن رسیده انقلاب
تبریز مجدداً با کمال سختی مورد نموده . جنگ عظیم
شده قشون دولت را ضایعات بسیار بوده يك حصه از
قشون دولت ترك سلاح و جنگ بارادریان خودگفته اند
دولتبان استقراضها که اراده داشتند از روس و
انگلیس توأم بنمایند انجام نه پذیرفت . این نصیحت
مشروطیین را از اضطراب نجات داد . چه بعضی جنین
صور میکردند که این استقراض انجام خواهد گرفت و
مستبدین قوی خواهند شد . (مسبوخت) منتشر
طالبه ایران زربار شروط استقراض رفت . چه آنهاقبضه
تمام طالبه ایرانا بضانت خواهش نموده بودند که در
سگرانی نمایندگان خودشان باشد

(سلخ رجب)

فلت وجه در طهران مستبدین را مضطرب نموده
اندك ادك خیالات شان منجز بیأس میشود . اختلاف
قشون بیشتر سبب خوف آمان گردیده . بین قشون
کلهری و سنجایی کار به زد و خورد کشیده و ازطرفین
جبهی مجروح شده اند . و این خبر اثر زیاد بر اردوی
باغ شاه افکنده . فعلاً اهالی منتظر فداامت شاه در
افتتاح پارلمان میباشند . اگر شاه بوعده خود وفا نکرد
درماه رمضان انقلاب عظیم پیش خواهد آمد

(غره شعبان)

بموجب تلگرافیک از پترزبرگ در رلی به اخبار
تأخیرات رسیده ستار خار با چند صد فرسواران
خواه عین الدوله فرماخرمای آذربایجان و سردار
قشون شاه را محاصره کرده گرفتار کرده اند

مشروطیین تبریز کیسبه ن خاصی منعقد نموده که
حرامم رحیم خان که موردت این همه قتل و قارت بود
تصدیق و تحقیق کرده او را بسزا برسانند

ایلات نواح تبریز و اهالی حاقفا مجوش و خروش آمده
ادارات دولتی را تمام متصرف شده خانه های شخصی
حکومت را حراب نموده اعضای ادارات دولتی را اسیر
و در ادارات از خود آدم کاشته . حکومت فرار نموده
است حرف مشروطیین این است که نا وقتی پارلمان
ایران منعقد نگردد حکومت شاه را قبول نخواهند
نمود درکویه و بازار مقبول و ریاد مجروح ریخته است
(۲ شعبان)

بموجب تلگرافیک از تبریز به طمس رسیده یکی

از رؤسای روحانی شیعه از نجف برای محافظه قوانین
مشروطیت روانه ایران شده است
موجر تلگرافیک از تبریز به پترزبرگ رسیده
اخبار فتوحات عظیمه مشروطیین آذربایجان يك مرتبه
انقلاب در تمام صوبجات ایران اداخته است

در صوبجات شیراز و کرمان بلای بلوا بالا گرفته
والی و اعضای آن فرار کرده (معاون) نایب الحکومه
فوت شده است . اهالی کیسبه وی از اراب اطلاع تشکیل
داده که ناوقتیکه پارلمان منعقد نگردد کارهای حکومتی
را انجام داده حکومت شاه را قبول نه نمایند

﴿ حبل اللین ﴾

(بن تلگراف . طوم می دارد که مردوی این ایالت
جنین زرده یا یکی از آنها و کدام يك ازین ایالات
جنین کرده اند ولی بلوا و انقلابات این دو ایالت بزرگ
را مسلم میدارد)

حکومت نازده که اصفهان آمده بحکم شاه مأمور
بود که حاجی آقا نورقه را (که یکی از علای جلیل و
رؤسای مشروطیین و رکن رکن اصفهان میباشد) از
شهر تبعید نماید (حاجی آقا نورقه از صد ثلثه ۲۳ ج ۲
در سده نواح اصفهان تشریف داشت) اهالی اصفهان
از اجتماع این خبر مجوش و خروش آمده بازار و
دکان را بسته . با منتهای شوکت و اجلال آقای
موصوف را بشهر باز آورده حکومت و اعضای آن
و تمام مستبدین خوف از آن دارند که مشروطیین بر آنها
حمله نموده خودشان را قتل و خانه هایشان را قارت نمایند

﴿ حبل التین ﴾

تمام این واقعات را از فتاوی واجب الاطاعة حجج
اسلامیه نجف اشرف ادام که ظلالم در تکفیر شاه اید دانست
امیدواریم اندکی دیگر تمییز فرموده بن خاوردنقه را از
سرواه مسلمانان بردرد تا همسایگان ما هم من سد پیش
بای خود نشسته ما را بحال خود وا گذارد

(۲ شعبان)

بموجب خبریکه روت از اخبار سیویارک هرله تلگراف
نموده سفير روس از طهران به پترزبرگ خبر داده
که انقلابات شهر رور افزون ریاد می شود . شاه را
قدرت آن نیست که نمرد از رأی امیر بهادر وزیر جنگ
نماید . ما اینکه رسماً از طرف روس درین خصوص
اعتراض شده بی جواب مانده است (یعنی حکشک)
ما مخالف با امیر بهادریم یعنی ما امیر بهادر راه بان
نه نموده و نمی نمایم یعنی ما همه سردمان خون هر چه
بدی است در امیر بهادر می باشد ولی ما هم هم قسم
سفارت ما بر حفاظت او حاضر خواهد بود

(۴ شعبان)

موجب تلگرافیکه امروز از طهران به طمس رسیده
اصمهان و نواح آن يك قطعه آتش و انقلاب عظیم است
اهالی آذربایجان آخرین تمام حجت خود را بشاه
ارن ترار پیش نموده اند

(۱) و را از مشروطیت انتخاب شوند

(۲) مسیبدین طهران را از شهر بدر کنند

(۳) عفو عمومی مشروطیت و مستبدین را بخواهند

(۴) مجلس حکام و مبد و انتخاب اعضاء انجمنهای

ارن و ...

(۵) مجلس پارلمان را توری منعقد نمایند

تلگرافات روتر راجع بایران

تخر روتر از اسلامبول خبر میدهد که زنان
ایرانی مقیم اسلامبول النجف نامه بعلیا حضرت ماکه
انگلستان تقدیم نموده که در ترك جنگ خانگی و خون
ریزهای غیر مشروع ایران وساطت فرمایند

در حوب این التجا نامه علیا حضرت ماکه (الکسندرا)
نموده که (سرادوردگری) وزیر خارجه را امر
نموده بدون اینکه در استقلال ایران خللی واقع شود بادولت
روس متحد رفع این جنگ و خونریزی را به نماید

حبل المتین

مای سوختن دل این حالت که زنان غیور ایرانیان
ایامون که دختران با شهامت عقیقه مادر ضرب
وص اند تا دوری و مهاجوری در عهد بحال برادران
مهر خواص از هیچ گروه فداکاری دریغ نه نموده ،
و از وسایف شیرینی خود مال نکرده اند ، ولی بدمخانه
عالم بر خارجه ما ما یند کلاه مرده بر سردارند
و فدای حکم خراس ایران و هیچ بشمرده کیکشان هم
نکرده ، گویا ایران وطن آمان نیست ، و ایرانیانیکه مال و
ب و اهل و عیال خود را در حفظ ناموس این مملکت
باید می نمایند برادران آنها نمیداشند

ی بر ایاز هندوستان گیرم شما را درد وطن که
تا تر حزه عظم ایان است میباشد ، آیا خدای مخواست
تر مسلمان ، گفته بد؟ آیا فتاوی رؤسای روحانی خویش
که مشوار دین شما هستند نخواهند ، که اطاعه بمجاهدین
و مسرطت را بر هر ایرانی فرص فرموده اند
و دای آن دستهای کوچک دخترانیکه در اسلامبول
پت سرون و نیم فروش از ناشتای خود باز گرفته
ه می در راه اطاعه بمجاهدین تبریز دادند

(۲۱ شعبان - ۱۸ ستمبر)

تلگرافی از طهران در اخبار نیویارک هر ه اشاعت
شده که ۱۹ شعبان قزاقان ایرانی در حالتیکه بشاخصت
رهسپار بودند و محافظین سفارت خانه انگلیس آنها را
منع نموده با شمشیر بر آنها حمله کرده دو نفر محافظین
سفارت را مجروح کرده اند (میجر استوکس) فوراً
محافظین سفارت خانه را طلب کرده است

(۲۴ شعبان - ۲۹ ستمبر)

تلگرافی از طهران بروز نامه طمس لندن بدین
عنوان رسیده : جواب شاه در خصوص یاد داشت
سفرای روس و انگلیس رسید آنچه از جواب مترشح
می شود و توفیق هم بیوسته نشی بخش نیست چه اراده
شاه چنین ظاهر می شود که تا وقتی اهالی صوبه آذربایجان
قبول اطاعت نه نمایند پارلمان را افتتاح نکند

حبل المتین

مثل (بازی بگو بگیر با هو بگو بدو) معروف
است این همه خوریزها از ابتدا معلوم بود از کجا شده
و برای چه بوده است ، آیا هنوز هم ایرانیها منتظر خواهند
بود که وساطت روس و انگلیس مشروطیت آنها داده
شود ؟ ایرانیها باید مانند برادران عثمان خود شرق
دست مشروطیت خود را باز گیرند فقط استدعایشان
از طالبان آز باشد که خارجهیان اعم از روس و انگلیس
هیچ گونه تصرفی در امور داخلی آنها حق وساطت هم
نه نمایند که در وساطت هم بتازی خواهند گمت بدو
و تا هو خواهند فرمود ، اگر چه قدر ما ایرانیها ساده
لوح و زود ناور و سهل اقبالیم مبادا انفصال ختم شد
و این آخرین عهد را هم شکست و متسود اصلی و
خبات عطری خواص را بر طالبان آشکار ساخت ازین
و بعد ملت هر آدمی به باید ملوم نخواهد بود میدادیم
اقدام کافیه را حجج اسلامیه بحج شرف را می کرد
گذرده اند آیا ما زهم میتوان حمل بر صحت نمود ؟

تلگراف مخصوص

(۲۴ شعبان - ۲۹ ستمبر)

فتاوی شاه در قایت ضعف ، روس سر آ قوت
قاب میدهد ، آذربایجان را غلبه نامه حاصل ، تهیه
حرکت اردو بطهران می بیند ، منتظر جنبش آقایان
بحجف میباشد ، اردوی ملی منظم در حرکت بطهران
تقویت مالی لازم و مخج باعاه ملت است ، انقلاب تمام
صوحنات را احاطه کرده ، جز به قوه قاهره اردوی
آذربایجان رفع نتواند شد صالح ملت با این شاه خلیل
مشکل می نماید

چهل و پنج کلمه
یکل کالج استریت نمبر ۴

Habul Matin Office
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

و کلا ذمه دار ابوجبات مشترکین اند
(بدل ابوتہ اخبار پیشی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه -- شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه -- ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات -- ۶ منات

نامه مقدسه

الملك

سنة ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲ رمضان ۱۳۱۶ هجری

مصادف با

۲۸ ستمبر ۱۹۰۸ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

ایضاً باسمهان و شیراز

توسط حجج اسلام آقا عینی و آقا میرزا ابراهیم
دامت برکاتهما، رؤسا و امرا و خوانین بختیاری و فستقانی
دام بخدمت، البته همه آنها که حافظ و حارس و محوله روح
مملکت حسید میدانید که اهتمامات این خدام شریعت
مطهره در تشیید مشروطیت براسیسه حفظ مدد
انی عشریه و جلوگیری از دشمنان دین اسلام است
و تمام دل گرمی را بغیرت دینی آقا برادران گرمی
داشته و داریم و صریحاً همه اعلام میداریم که مساعدت
در تشیید اساس مشروطیت چون موجب حفظ دین
است بمرایه جهاد در رکاب امام زمان علیه السلام و
همراهی با مخالفین آن اساس در حکم اطاعت بزرگ
مهریه و منافی با مسالمتی است

الاحقر نجل المرحوم میرزا خلیل -

الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی -

الاحقر عبده للذندران

ایضاً باجمهها و قاطبه

امروزه حفظ اساس قوم مشروطیت در قطع
مخالف هر که باشد برقاطبه مسلمین واجب و لازم و
موجب حفظ دین مبین و دولت تشیيع و بقية نفوس

سپهک من هلك عن بينة و بحیى

من حی عن بینة

(احکام تلکرافتی حجج اسلامیه نجف اشرف)

تبریز - توسط انجمن ایالتی تمام عشایر و ایلات و
مرحوم داران آذربایجان و اردبیل و قراچه داع و
مشکین و میانیج و مالو و غیرهم دامت تا بیدایم
اهتمامات این خدام شریعت مطهره در تشیید اساس
مشروطیت براسیسه مدد انی عشریه و جلوگیری از
دشمنان دین اسلام است - تمام دل گرمی طامه در این
بی و اقدامات بنیرت دینی آن برادران بوده و هست،
و آنچه برخلاف مشروطیت تا بحال از هرکس ظاهر شد
همه به تحریکات بوده، حال محمد علی میرزا در مقام قتل
مسلمانان برآمده است، لهذا صریحاً میگویم که اهتمام
در تشیید مشروطیت چون موجب حفظ دین است
در حکم جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و
سرمون همراهی با مخالفین و اطاعت حکمشان در تفرض
بجلس خوامان غزله اطاعت بزرگ بن معاویه و با
مسالمتی منافی است

الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی -

الاحقر نجل المرحوم حاجی میرزا خلیل -

الاحقر عبده للذندران

و اعراض و اموال مسلمان است ، نصر کم الله و نبت
اقدامکم (محمد کاظم الخراسانی) (عبدالله المازندرانی)
حجتی مجاهدین اسلامی آذربایجان

مطابق احکام مقدمه حجج اسلام بر مسلمان عموماً
و بر پیروان مذهب جعفری خصوصاً فرض و متعمم
است که حسب الفریضه اقدام نموده در تقویت این اساس
مقدس از جان و مال مضایقه ندارند

مجاهدین اسلامی آذربایجان که ذمه خود را در
فداکاری و جان نثاری دیده علم اسلامیت را حیاتی
نازه بخشیدند سایر مسلمانان و ایرانیان را فرض است
که بمعاونت و امداد جان و مالی آن مجاهدین از جان گذشته
را تأیید نمایند

ای ایرانیان غیور ای مسلمانان! وطن خواه
غیرت ملیت شما کجا رفت

ای متواریان ایران که هر صبح وشام چشم امیدتان
بجانب وطن نگران است امروز وطن شما در ورطه
اقرض افتاده ، ناموسی ملیت دستخوش بیگانگان گردیده
است ، آخ آخ امروز از برای حال حکم خراسان مجاهدین
اسلامی که در راه وقایع ملیت شما جانها در سبک
دست نهاده و با ملتها در حقه عصرت بیداری میکنند
بیگانگان را محال آنها وقت آمده و از اطراف
کک میرسانند ، آیا از شما نمک پروردهای آن آب
و خاک آتار همراهی خواهند بود؟ ای ایرانیان متواری!
آیا شما را آرزوی باز گشت بوطن بیست؟ آیا شما را
نمای شای استقلال این خاک ، مادر وطن مرور شما
را بکمک مجاهدین آذربایجان یعنی مادوان عزیزتان
دعوت میباشد ، مصیبت ردگان آذربایجان را بمعاونت
شما چشم در انتظار است

(سارعوا الی مغفرة من ربکم و حنت عرضها السهوات)

حجة الاسلام زاده رشتی

موجب اطلاعیکه اداره رسیده جناب مستطاب
شریعت مدار ملاذالامام محمدالمصر آقا میرزا اسمعیل
آقا حجة الاسلام زاده رشتی یعنی نجل حایل حضرت
آیه الله حاجی میرزا حبیب الله رشتی قدس سره صکه
سخت مصاعرت حضرت آیه الله علی العالمین بندگان
آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی مد ظله را دارند
بر حسب تجویز اطببا و رفع سوء مزاج و علاج طارم

ایران بودند ثلثه عظمی که درین اوان بر شریعت طاهره
از حرکات کافرانه مستبدین وارد آمد و انقلابیکه در آن
مملکت اسلامی پیش آمد ایشانرا برای معالجه مجبور بمحرکت
هندوستان ساخت از بغداد خبر حرکتشان را بهاب
مخترین نوشته اند

جناب آقا میرزا اسمعیل آقا قیسی فاضل و طلی
کامل صاحب تقریر و نحر بر طرف بمقتضبات وقت اند
چرا چنین نباشد که در دامان بزرگترین علمای عصر
تعلیم و تربیت یاقه و شیر را بچه همی ماند بدو

تکرات روتر واجع بایران

(۲۷ شعبان - ۲۸ ستمبر)

وقایع نگار طمس از تبریز می نویسد که شاه تکرافاً
بسهدار حکم نموده که چهل و هشت ساعت بمشروطین
سهات داده هرگاه ترک سلاح گفته و رؤسای خود را
به دولت تسلیم نمودند نیم المطلوب ورنه شهر را با توپ
بست نماید

(۲۸ شعبان - ۲۹ ستمبر)

مشروطین آذربایجان رسماً بجمعیت نمایندگان خارجه
مقیم تبریز اطلاع داده اند که ما برای مدافعه سهدار
حاضریم و کاملاً مستعدیم چرا که تا کلون اطمینانی
در قبول مطالبات ما داده نشده است

خبر روتر از طهران خبر میدهد که بموجب
اطلاعاتیکه حاصل نموده شاه در جواب یاد داشت
روس و انگلیس چنین اظهار داشته : ما در تشکیل
پارلمان و انتخاب وکلای حدید عنبری نیست ، ولی چون
سوء آذربایجان قبول اطاعت نه نموده موعده اسفاد
پارلمان و انتخاب وکلای حدید باید باختیار من باشد

خبر روتر ذیل این تکراف رأی خود را چنین
می نویسد : این بیانات صریحاً بلیتیک است و شاه میخواهد
با معاذیر نمایندگان خارجه را ساکت و ساکن نماید

(۲۹ شعبان - ۳۰ ستمبر)

مناقشه که بین سواران هنمی محافظین سفارت خانه
انگلیس در طهران و قزاقان ایرانی واقع شده بود این
قسم فیصله یافت که افسر بریگاد قزاق قزاقانیکه سبب
حتک احترام سواران محافظ سفارت خانه انگلیس شده
سزای تأدیبی داده وضع فائده گردید

(سلخ شعبان - ۲۷ سنبر)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که شاه رسماً اعلان انتخاب وکلا را داده و تمین اسناد مجلس را بوم یوزدهم شوال مطابق چهاردهم نومبر قرار داده است

﴿ جبل اللئین ﴾

ر حسب اطلاعاتیکه اداره رسیده ، کار از کار گذشته ، و تبر از شصت رها شده است چه قاضی حقیقی ملت رؤسای روحانی و حجج اسلامیه عقبنامند که آن بزرگواران رسماً شاه را تکفیر نموده و اعلان جهاد برخلاف وی داده اند . لابد خواهند فرمود این مرتد مصروع از موضوع مصاطح خارج است ، حکم او را تسلیم نمینمایند ، و سلطنت ویرا حائر می شمارند ، اعتماد رؤسای روحانی و فرد فرد ملت ازین حوالا ابالی برداشته شده ، و رقم او میتوان اطمینان کرد ، و نه تسلیمش به مشروطیت اعتبار ، کبیکه بحسب خدا توب نند ، و قرآن مجید را سوراخ بپوای مس شوم سبب قتل نجباء هزار هوس مسلمان بود و ما حجج اسلامیه و ذراری رسول الله تا این پایه بدسلوکی کند و اجساد مطهره شهدای اسلامی را قطعه قطعه نموده بخوردسگان دهد ، چگونه مورد اطمینان ملت واقع تواند گردید ، از همه بالاتر در نزد حجج اسلامیه بل فرد فرد ملت محقق گردیده که این حوالا بی تربیت بی شرف ، خود را دست شاهانه روسی داشته ، سلطنت وی در معنی سلطنت روس میباشد . ازین رو محال است حجج اسلامیه و آحاد مشروطیین او را سلطنت قبول نمایند . علمای اعلام میدانند که ما آن سرعویق که این حوالا لا ابالی در سلطنت خود از تکفیر علما داشت مرتکب آنچه حرکات کافراه گردید ، اینک که تکفیر شد و باز سلطنت برقرار ماند و آن رعب عظیم هم از قلبش خارج گردید مرتکب جقدر افعال ناشایست خواهد گردید ، ر فرض محال بگوئیم ملاحظه آخرت هم در کار نیست ، آیا ملاحظه دیسایم نخواهد بود ؟ این اشقی الاشقیاء اگر بر این سلطنت اسلامی منمکن باشد آیا اسمی از دیانت حقه باقی خواهد ماند ؟ آیا رسمی از رؤسای اسلام و علمای اعلام باقی خواهد گذارد ؟ بقیده ما امروز ابتدای انقلاب ایران است و ما وقتی محمدعلی میرزا را از سلطنت خلع نمایند نه ایران امن خواهد شد و نه ملت آرام خواهد گرفت

﴿ تلگراف مخصوص ﴾

﴿ از اسلامبول سلخ شعبان توسط ﴾

(جبل اللئین کلکته)

ایرین هندوستان ، حکم حجج اسلام عقبنام بر وجوب جهاد موجب تعطیل اشغال عمومی و جمع اطافه برای تبریزگشته عموم برادران داشته و همین مساعدت را به نماید

(انحصار سعادت ایران اسلامبول)

(ابداً)

ایران يك پادشاه انقلاب ، شاه در قیام سرعویت و ضعف ، نامیده راجع اطلاعات داخلی و گرفتن امضا برای استقراض حرجی اعلان رسمی مشروطیت ر داده ، یوزدهم شوال تاریخ انعقاد مجلس را معین داشته ، ولی تبریز از نصب رها شده حکم تکفیر شاه رسمی و امر جهاد آن عملاً برقرار و مساعد خواهد می شود ، سرر مشروطیت ایران امروز ادراکجهان است ، از قبال عطف رجوع باین مرتزقه همراهی مالی ما عاهدین تبریز لاره که ردو محاب طهران حرکت نماید ، مالدات دوانی لا وصول رؤسای حقه روحانی قبول هیچ شرطی را در مصطلحه این حوالا حائر می داند

﴿ تلگرافات راجع بایران ترجمه ﴾

◆ از اخبارات خارجه ◆

(• شعبان)

§ بموجب خبریکه از طهران رسیده مشروطیین تبریز سامی اند که همان اعضای اولیه پارلمان دعوت یا انتخاب شونده هیئت ار وکلا تشکیل یافته که آخرین شرط خود ر تصدیق بدولت نمایند

§ بموجب تلگرافیکه ر طهران رسیده ، ماهورپی که از طرف دولت حرکت کرده بود به اردوی نصرالسلطنه رسیدند ، اردوی نصرالسلطنه در حالتیکه مشغول مشق بود هدف شلیک اردوی ستارخان کرده و هشتم هر از قشون نصرالسلطنه مقتول و محروح شدند و از آنوقت تا کنون مستقلاً محاربه جاری است و حالت نفع و غلا باایران ، وضع اسفناکی عفریب نمودار خواهد گردید

§ دول تلاته روس و انگليس و فرانس گفتگوی دادن قرضی مايران کردند چون شرايطشان سخت بود لي نتيجه ماند . يك از شرايط اين استعراض هم امضای ملت بوده است

§ موجب تلگرافيكه به پترسبرگ رسیده حالت ايران بسیار انديشناك است ، مشروطيين و طرفداران شاه غالباند و خوف جنگ بسیار عظيم ميروند . در شمال انجمن اياتي قائم و حکمران مطلق است . در جنوب هم شروع به برنی اقدامات شده ، در کرمان حکومت خود را که گویا صاحب اختیار بوده کشته اند برای انتظام حکومت اداره مخصوصی موقتاً تأسیس کرده ، حالت شاه خبلی سحت و مقام او در تهلكه است ، اهالی اسفهان حاکم خود اقبال الدوله را با منتهای حفت از شهر بدر کرده تمام ادارات حکومتی را متصرف شده اند . اهالی کرمان شاه هم تاسی اهل اسفهان جسته حکومت را خارج و ادارات حکومتی را قبضه کرده اند

(۶ شعبان)

§ بموجب خبریکه بروزنامه طمس لندن رسیده در تبریز ریاست ستار خان تشکیل اداره برای مدیریت و حکومت شهری شده جماعتی از پلیس مساح هماره برای انتظام در گردش اد و ا کمال دقت رعایت قوانین و نظامنامه را میبایند و آسایش اهالی را حافظ اند . هر کس مرتکب جنایی از بییل قتل شود از روی قانون سرباً بحالت مدعی که مابۀ عدت گردد بقتل میرساند

§ طرفداران شاه شریف راده که از مشروطیین بود قتل رسانیدند ، فوراً حکم مگردناری قاتل شده پس از دستگیری محبوس و بعد از استطاق و نبوت جرم سزای اعدام یافت

(۷ شعبان)

§ بموجب تلگرافیکه از طهران رسیده شاه از ادای سود قرضه سابق روس که سه ماه سه ماه باید پرداخته شود عاجز مانده است

§ بموجب تلگرافیکه از پترسبرگ بدیلی تلگراف لندن رسیده ابراف در منتهای سرعت کسب وخامت و انقلاب عظیم مینماید ، در جنوب ايران مأمورین حکومت

خود مشغول اغتشاشند راه ها را میزنند ، کاروانها را بصورت زشت و مدعش قتل وفارت میکنند اهالی در منتهای درجه بستوه آمده اند

§ حالات طهران ظهور انقلاب عظیمی را میبایند حافظ امنیت شهر لیاکوف روسی است و از همدۀ برمی آید ما اینکه امروزه روسیان در طهران حکومت دارند از جانب اهالی خبلی تهدید میشوند در دوبار و اطراف شاه روسیان خبلی از حدود خود تجاوز مینمایند هم قسم شاه محکوم آنهاست

§ شهر تبریز کاملاً در تحت فرمان ائجمن اياتي است که امروز حیثیت پارلمانی ايران را دارد شهر در نظارت يك فوج از سواران جدید ملی با کمال امنیت است . توپخانه - ارخان در کمال خوبی است ، اردوی ستار خان یعنی ککسایک هماره تحت السلاح و جزء نظام میباشد عده شانف به پانزده هزار بالغ شده ، اهالی تبریز تمام هم قسم شده اند که تا آخرین قطره خون همرای کنند

(۸ شعبان)

§ بموجب تلگرافیکه از تبریز بروز نامه طمس رسیده غلبۀ مطاقه و خود کلاه نامه مشروطیین آ - ریاحیان حاصل نمودند

§ توپچیان ستار خان آنچه در چند میدان ابراز هنر نموده ر توپچیان اردوی شاهی تفوق دارند

(۹ شعبان)

§ بمجردیکه انجمن اياتي اجتماع نمود که مجاهدین قفقاز گفته اند تحریب و دست اندازی یکی ارقونسلخانها خواهند کرد یعنی چنین تهدید کرده اند فوری بنای تدارک را نهاده عزت الملك که سابق رئیس نظمه هم مجدداً برای انتظام شهر مأمور نمودند عزت الملك نیز عاجلاً با پلیس مساح در شهر بگردش آمده منتهای حفاظت و نگرانی را خاصه درباره مقامات خارجه و قونسولخانه انگليس مینماید

§ قشون ملی با کمال جلالت بر سنگر های اردوی دولتی برش بردند

مسلمات و مسلمانی

هل انبذکم بالآخرین اعمالاً الذین
 من سببهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون
 انهم یحسنون صنفاً

(بنی الاسلام علی عو الجور و شر الحیر عن نفس
 ملکف و غیره فی الدنیا و الآخرة) مبنای اسلام بر دفع
 ظلم است از مسلمین و نشر احسان است بر مسلمین و
 مدار تمام احکام شرعی از وجوب و حرمت و استحباب
 و کراهت بر همین دو گانه است (المسلم من سلم المسلمون
 من ید و لسانه . من اسبغ و لم ینم فی امرایه المسلم
 فلیس بمسلم) من سمع اذاه مسلم یقول یا فقه یا للمسلمین
 فم یجیه فلیس بمسلم) و اشتقاق اسلام از سلام و بنای
 ظاهر اسلام بر سلام است (ولا تقولوا لمن اتی الیکم
 السلام است مؤمناً و من قتل مؤمناً متعمداً فحزاً و
 جهنم) محاربین با اهل تبریز را کار در دنیا و آخرت
 خلیل مشکل است زیرا که اینها کافر شده اند و از دین
 اسلام بر نکشته اند بر امام زمان یابی شده اند در صدد
 اذیت مسلمانان بر نیامده اند و از خانهاشان قدمی بیرون
 نگذاشته اند بلکه در خانه خود نشست و در مدافعه از
 مال و عیال خود حاضر شده اند (و من قتل دون
 ماله و عیاله فهو شهید) را در گوش ساخته اند و
 در اول امر شازعه بجهت حمایت مجلس شورا بود و چون
 تمام ایران را در عهد خود ثابت قدم ندیدند و بوی
 وفا و برادری از آنها نیافتند و سواره قراچه داغ
 بریاست رحیم خان از طرف شرق تبریز و سواره از
 طرف غرب و افواج و سواره مرند بریاست خوانین
 مرند از جنوب و دو محله سرخاب و (دده جی) از شمال
 احاطه نمودند لاجرم صلاح در تسامیم دیدند و بیدق
 امان کشیدند و شب را راحت کردند سحرگاه بناگاه
 عساکر و محلات مزبوره از چهار طرف بناییم بغا
 گذاردند و دو محله و یاسد دکان را غارت کرده و
 عو نمودند و دست درازی بناموس گذاشتند مردان
 تبریز چون این بدیدند دست از صلح کشیده و هرگ
 تن در دادند اگر حال چنین باشد و غیر از اینست
 متولین اهل تبریز شهدا هستند یا نه؟ و محاربین با ایشان
 که از راه دور آمده و بر ایشان می تازند سببی از

اسلام دارند یا خیر این زحمت مسافرت و شغلت مسائلت
 و وبال نهب و غارت را با امر کدام امام مفترض الطاعة
 بر ذمه گرفته اند و حال صریح آیات و اخبار از اطاعت
 امر سلطان قاصب و جابر منع میفرماید (ولا تطع
 من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً)
 هر کسی که از ذکر خدا غافل باشد و تابع هوا و هوس
 خود بوده و کارش یا افراط باشد و یا تفریط یعنی از
 عدالت دور باشد اطاعت امر او با امر پروردگار طایبان
 حرام است، کدام زطیق است که از برای اطاعت امر
 مخلوق مخالفت امر رب العالمین نماید، و حال آنکه آن
 مخلوق است مثل این بلکه گناه کارتر از این (یتستخفون
 من الناس ولا یتستخفون من الله) هم در قرآن مجید
 میفرماید (ولا تطیعوا امر المفسرین) اطاعت امر هر
 اسراف افنده خاصه مصدر امور عامه باشد حرامست
 و هم میفرماید (ولا تطع کل خلاف مهین هماره
 عیم مناع لعلیر معتد ایم عتل بعد دالک ریم) تفسیر
 صریح این آیه شریفه را تطبیق نماید با حالات امر
 خود و به پند که اطاعت امر او حرامست یا حیر و
 اهل العظیم این آیات معجز علامات گویا از برای همین
 روز نازل شده (لیهلک من حک به عن ینه و بحی
 من حق عن ینه) اینها که بعنوان بخاره امر سرکار
 استبداد بطرف تبریز می روند در دیوان حکم بریا چه
 عذر خواهند آورد چه و شیعه در دست دارند چه
 حجه را وسیله خواهند جست اگر گویند که اهل
 تبریز مشروطه خواه بودند و ما مشروطه طلب و در
 ره شریعت خود را به تعب ادا کنیم و می خواهیم
 مشروطه ایران مشروطه باشد بچاره ما بی عمام
 مشروطه مشروطه می شود، همین نحاست باک شدنی
 بیست مگر اینکه عین زایل شود بمیدانید که این دولت
 جاریه و قاصبه که حق محمد و آل محمد است از اساس
 خلاف شرع است اگر شما مشروطه میخواهید باید
 بیسان این دولت باطله که حق آل محمد است از بیح
 برکنید و حالا که به منتضای روزگار باید این دولت
 باطله دوام نماید تا مذهب اناس عشری عو ناود شود
 و دوام و قوام او بدون مشروطگی خارج از امکان
 است چنانکه می بینید که دولت مستعلا و مستبده امروز
 بغیر از دولت چین نمانده و الا ان در او هم ولوله

مشروطیت برپاشده و عقرب است که اعلان مشروطیه
خواهند نمود زیرا که سیاستون عالم قطع نموده اند که
دولت‌های شخصی قابل دوام نیست هر چه از شخصیت
دور تر دوام نزدیکتر است فلهذا واجب دیده اند که
تمام سلطنتها ملی باشد نه شخصی و هر ساطتی که در
استبداد شخصیت اصرار کرد او را و ملت او را محو
نموده و جزء دولت‌های ملی خواهند نمود این مسئله
چه ربط به عالم دین و شریعت دارد بلی اینقدر مدخلیت
دارد که بقای شریعت منوط به بقای ملت و عو آن
سته بمحو شدن ملت است در اینصورت به بینید شما
بقای شریعت را منظور دارید یا اضمحلال شریعت را
(ف لکم ولما تبسبون من دون الله) فعلی مذا به بینید بخاربه
و مقاله شما با خدا و رسول و ائمه و دین و شریعت است
با مسلمانان تبریز (و کل عزیز غالب الله مقلوب) و
تهدام در صورت ثبوت مسئله آیا کفر محاربین با خدا
محتاج به اثبات هست یا خیر (لم اعین لا یصرون
بها و لم آذان لا یسمعون بها و لهم قلوب لا یفتقرون
بها اولئک کالانعام بل هم اضل) اگر آدم و انسان
بودند اطلاق در روز اعلان رسمی مشروطیه دولت آل
عثمان آب می شد و ترک حیات می نمودند حال آنکه
هنوز هستند و بخاربه میکنند

مشروطه و مشروعه

ولا تلبسوا الحق بالباطل

یکی از اسباب عمده اختلال طهران و آذربایجان
یکه مشروعه است که انلیس ملت در اذهان عوام بخاربه
القیا نموده و سبب هرق دما و هتک امراض و تب
اموال مسلمانان گردید که هم انظر قران بامر نیزها
بند کرد و نام حمایت اسلام بر مسلمان ناختم است
و شرح این مدام موقوف است بذکر دو مقدمه

اول اینکه باید دانست که این دولت حاله ایران
آیا دولت حقه شرعیه است یا باطله غصبیه دیانت
اسلامیه و طرفه حنیف جعفریه حاکم است بر اینکه
دولت اسلامیه حق طاق و مال خاص آل محمد (ع)
ست و قانون آن دولت عبارت از شریعت مقدسه
محمدیه سلوات الله علیه و له است این دولت که درید
آل محمد و حجه عصر و قانون شرع مقدسه

محمدی است سلطنت حقه من جانب الله و دولت
مشروعه اسلامیه است و هر دولتی که بوصف مذکور
نباشد دولت باطله و غاصبه است و آنچه دولت حقه
از ملت اسلام مأخوذ دارد از زکوة و غیره بیت المال
المسلمین است و مال حلال است و آنچه دولت باطله
و جآبره مأخوذ دارد مال منسوب و حرام است و
داخل در مظالم است و هر کس شرح این مقدمه را
بخواند بکتب فقه و اخبار رجوع نماید پس از احوال
اینمقدمه معلوم میشود که اساس این دولت باطل و
ذیان او برخلاف شرع مقدس است آنچه از مسلمانان
میگیرد غصب است و آنچه تصرف میکند فعل حرام
است و آنچه بخورد و بخواند و بدهد و بستاند حرام است
و طریق حقیقت و راه مشروعیت از برای ایندولت
مسدود است و ممکن نیست که او را بلیاس مشروعیت
ملبس نمایند و حکم عین محجاست را دارد تا عین زائل
نشود حکم طهارت بر او جاری نتواند بود و مشروعیت
این دولت عبارت از محو اوست والا دولت باطله مشروعه
حکم (گوسه ریش بین) را دارد مقدمه ثانیه اینست که
مشروطه مصطاحه مات به چه معنی است شکی در این نیست
که معنای مشروطه عبارت از مشروطیه دولت است یعنی
سلطنت بشرط قانون مساوات، مشروطه یعنی سلطنت بشرط
حریت تمام ملت در میان حقوق خود، مشروطه یعنی سلطنت
بشرط قانون عدالت نسبی، مشروطه یعنی سلطنت بشرط
استحضار و کلای ملت، مشروطه یعنی سلطنت بشرط
عدم رتکاب ظلم مبرها ممکن، مشروطه، یعنی تحدید تعهدات
عظام مشروطه یعنی تقابل ظلم در میان عباد الله، مشروطه
در هیچ وجه مدخلیتی در امور شرعیه نیست بلکه
مشروطه شروطی است از برای حکومت عرفیه حکه
بوسیله آن شروط ظلم و تعدی طوعا اوکرها کمتر از
زمان استقلال و استبداد میشود مشروطه عبارت نیست
از قس ما عینه باطله به حقه و رفع ظلم بالتمام و نشر
عدالت تامه بلکه اجمالاً عبارت است از تقلیل ظلم و
شرعدالته بالنسبه الی السابق مثل اینکه مرد زانی توبه
کند که من بعد با زن شوهر دار زنا نکند با اینکه
دزد توبه باید که بعد از این حال یتیم نددزد این توبه
ولویکه فی حد ذاته مفید است و سبب قات زنا و سرقت
است آیا میتوان گفت که فلان زانی یا سارق توبه

کرده و عهد نموده که ارتکابش مشروع باشد
 از حضرات آقایان که از خدا باسم و از اسلام
 برسی قاضند سؤال میکنم که عقول شما چه حکم
 میکنند آیا مشروطه مشروع ممکن است یا تمتع شما عقلا
 مینواید که تأسیس مشروطه نمایند که مشروع باشد یا
 این کلمه حتی بود که ما اراده باطل فرمودید (اف
 لکم ولما تبدون من دون الله) که بایک کلمه عوام فریب
 خون صد هزار مسلمان را تباہ فرمودید مجدداً ظلم را
 رواج دادید و عدل را از میان بندگان خدا برچیدید
 و بر این هم قناعت نکرده بادوازده مهر قوی برحلیت
 خون مسلمان دادید و بدست رحیم خان و شجاع نظام
 سپردید که کردند آنچه کردند و شد آنچه شد بار ازشاما
 سؤال میکنیم که بعد از آنکه مجلس شورا و مسجد اسلام
 را به توب بستند و طومار عدل را درهم پیچیدند و
 روزگار ظلم را از سر نو گرفتند و دستخط تلگرافی
 در ولایات منشر گردید که اعلیحضرت خودشان
 حامی مشروطه مشروع هستند و بعد از سه ماه سای
 مجلس گذارده و تأسیس مشروطه مشروع خواهند
 فرمود الی آخر آیا بموجب این دستخط بعد از این کراک
 شرعی و مطالبات و رشوه شرعی و جریمه شرعی گرفته
 خواهد شد یا اینکه این عبارت از برای صید عوام
 بچاره شبکه بود که بهم یافته بودید که بچارگان را بچنان
 همدیگر اداخته و بدست همدیگر مقول سارید عله
 (دوه جی) کافر شده بود یا امیر خیر که ایها را هتانه
 همدیگر سعی و جاهد ساخت این مسئله در نزد علای
 ملت واضح است امیدواریم که عوام بچاره طهران و
 تبریز هم (مدالینا والقی) ازکنه مسئله آگاه بوده خون
 بهای کشته های خود را از شما باز یافت نمایند شما
 چه کاره بودید که برینخن خون مسلمان قوی دادید
 مگر شما حجه الاسلام بودید یا نایب امام تشریف داشتید
 آیا معنای مشروطه مشروع همین است که اختیار
 جان و مال مسلمانان بدست خود بگیری هر که را
 بخواهید بکشید و هر کس را بخواهید به بختید آیا
 مشیرالسلطنه بشما تلگراف نکرد که اگر مینواید صلح
 نمایند خود را برکنار بکشید عله دوجی و حصور اجس
 افسادیه و اندرونی آقا نشستن و جلو کتاب
 خوردن و قوی ناحق دادن و دست بدوش قاتلین

مسلمان گذاردن و این کلام حیثه را گهن (که سر
 در ثواب عمل خود سربك کن) آیا اینها صاحب عور
 است یا کناره گرفتن سه عمل ناقص خودم چسار
 همیده م که محنت در بازار است و منتقم حیو
 از کار خود معزول بست همان یاران و یاوران خودتان
 بر خودتان مسلط خواهد شد و داع دل بچارگان ر
 از شما خواهند گرفت تا کی باید کارهای حلافت شرع ر
 باسم شریعت ارتکاب نمایید تا کی قنای ناحق و ناح
 منسوخ پی در پی خواهید داد تا کی قوت ظالم ام
 مرحومه را حبس نموده و ر رؤس منار از سطح
 خدا نرسیده اعلان خواهید داد که ای مردم گندم و
 جو خریدن و ایبار کردن حرام است حاصل دهن
 خود را در ایبار گذاشتن و فروختن (رحم الله منتم
 الماضین) بجهت ملی گذشتگان شما بودند شما عهد دوات
 هستبد نکار مات نخواهید خورد (وسیعلم الذین ظلمو
 ای منتاب یعلیون)

مشروع بازی یا اعلان رسمی

محمد علی میرزا پس از انهدام اساس مشروطیت

تکالیف لازمه عمومی

چون از تاریخ بیست دویم اماه جمادی الاولی
 مطابق سه ۱۳۲۶ طهران و باقی شهر های ایماک
 در تحت اطاعت قشون نظامی خواهد بود و برای رفیع
 حرانی و انتظام و آسایش عمومی امر و مرور مبرماید
 که تمام اجتماعات در کوچه و محلات و مداخلها و همچنین
 اجتماع عمومی در اطراف شهر همین طور در جاه
 در صوتی مجاز باشد که باچاره حکومت باشد و
 بدون اجازه حکومت ممنوع و مجتمع شده سوم مات
 را قبل از وقت مطلع و اعلان می فرمایم اجتماعاتی
 برخلاف این ترتیب در کوچه و محلات و (مساجد) و غیره
 بشود بوه نظامی متفرق و در صورتیکه طاعت نکرده
 نمرود و سترزه نمایند استعمال قوه قهریه و تاربه دفع و
 متفرق خواهد شد ملاحظه آنکه مات عادل ما دوجار
 این طور اتفاقات و خلیفه شده حق در موقع اجتماعات
 برای تماشا نیز در محلات و مساجد و غیره حاضر نشود
 و این ترتیب را محفوظ دارند و هرگاه برخلاف این

رتیب قدسی بایند اول روسای مجتعبین و سایر اشخاصی که دخالت در اجتماع دارند حسب المقرر حکومت دستگیر کرده سه ماه حبس خواهد شد. دوم برای حکومت شهر طهران فرماده ریگاد قزاق پالکونیک لیاخف تعیین میشود رئیس نظمی و روسای دستجات نظام و قشون رکاب در تحت اطاعت ایشان خواهد بود. سیم اجتماعاتیکه در مجامع عمومی و سایر قاط برای کارهای شخصی یا در امر تجارتی و مذاکره صافی و قهوه خانها که مجازند پس از سه ساعت از شب گذشته بکلی قدغن است. چهارم داشتن اسلحه و بستن حره بدون اجازه حکومت غدن و از مرتکبین این عمل مطابق فصل اول این ورقه رفتار و مواخذة خواهد شد اشخاصی هم که حق بستن اسلحه دارند باید از حکومت بلیط داشته باشند

پنجم اشخاصیکه نسبت باهل نظام و احترامی نباید غیر از تنبیه و جریمه که در اول ورقه معین شده اهل نظام مجازند روی آنها اسلحه بکشند. ششم تخطی در اوامر فصول مذکوره در ایالات و ولایات و تعین جریمه و حدود باحکامی است که در آن نقطه حکومت و مسدولیت دارند. هفتم اجرای این اوامر از روز انتشار این ورقه خواهد بود

(عمل همه اعلی حضرت هاپونی)

نتیجه حرکات مشروعه بازانی

یا فرمان فرمائی و نایب السلطنگی

کرئل لیا کوف روسی بر مسلمانان

اعلان

حس الامر اعلی حضرت قدر قدرت قوبشوکت قدس هاپون شاهنشاهی اروا حنا فده محض آایش عموم و اجرای قانون انتظامات داخله شهر طهران و برای استحضار خاطر عموم مطالب مذکور دیل را تصدیقه (تکالیف لازمه عمومی) که اعلان شده اطلاع میدهم

اولا - مسلم کلیه امورات و تمام انتظامات شهری مخصوص بهمه صاحب منصبان و قزاقهای بریگاد اعلی حضرت هاپونی و ژاندارمه و فوج خلیج و فوج زرند و یابیس اداره نظمی است

دوم - اشخاصیکه تخطی از اوامر و اطاعت قانون مطابق شرح مذکور نمایند در کمال سختی از آنها مواخذة و تهدید خواهد شد باشخاصیکه ظلم و تعدی از هر قبیل وارد شده باشد اجازه داده می شود و می تواند شکایت و تظلمات خودشان را بدفتر خانه این جانب اظهار یا بشخص خود من حضوراً ابراز دارند سیم - متصرفینکه باعث ظلم و تعدی بشخص عارض شده باشند در حضور باطلاع یکتقر مأمور حکومت عارض مظلوم تنبیه و رفع ظلم او خواهد شد در وقایع دزدی و تعدی و خود سری متظلمین در حین اتفاق قراولخانه نزدیک خود بقزاقیکه سمت ریاست قراولخانه را دارد فوراً اظهار دارد

چهارم - قیمت نان و گوشت مطابق قیمت معمولی حالبه باید باشد چنانچه نرخ معمولی افزوده شود از متصدیان هرچه اضافه برخ نمایند دو مساوی جریمه تعدی گرفته خواهد شد

پنجم - اجتماعاتیکه متجاوز از پنجاه در کوجه ها میدان ها اجتماع نموده برای تماشای معرکه یا استماع بعضی نظرها از دحام نمایند آنها را قوه قهریه نظامی متفرق خواهد ساخت

ششم - اشخاصیکه مخصوص شغل فروختن اسلحه ناریه و ملزومات آن را دارند قدغن اکید نموده اطلاع داده میشود که از این تاریخ به بعد بدون اجازه این جانب بکسی حق فروختن اسلحه ناریه از هر قبیل ندارند اجازه فروختن اسلحه باشخاصیکه لازم باشد مختص (باین جانب) خواهد بود

هفتم - تنگ انداختن در شهر را چون میتوان احتمال اغتشاش تصور نمود فوراً عده قزاق براسی قاعله به آن مکان فرستاده خواهد شد لهذا سهواً اگر تنگ انداخته مدت معینی حبس خواهد شد یا اینکه شب در خانها بدزد تنگ انداخته اند باید قزاق های مستحفظ شهر معین نمایند و داخل در خانه شده تحقیقات لازمه نمایند یا همداً اشخاصیکه تنگ انداخته اند دستگیر شده در کمال سختی از آنها مواخذة خواهد شد

هشتم - در کوجه ها و محلات شهر از هر خانها که بطرف کوجه یا اطراف خانه بسمت قراولخانه